



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

# گزارش فرهنگی

---

سازمان‌های فرهنگی غیردولتی  
بین‌المللی و  
ترویج ارزش‌های فرهنگی  
جمهوری اسلامی ایران

---





**سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و  
ترویج ارزش‌های فرهنگی  
جمهوری اسلامی ایران**

دکتر حاکم قاسمی





---

راهکارهای بهره‌گیری از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی  
در ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نویسنده: حاکم قاسمی

طراح جلد: سید رسول شبیری

صفحه‌آرا: یحیی نشتاعلی

شمارگان: ۹۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - اسفند ۱۳۹۳

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.  
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

---

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر(عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email:nashr@ric.ir

اثر حاضر، نتیجه پژوهشی است که با نظارت دکتر علی صباغیان  
در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات انجام شده است.

## فهرست مطالب

سخن ناشر ..... ۷

### فصل اول: کلیات

مقدمه ..... ۱۱

طرح مسئله و روش ..... ۱۵

### فصل دوم: ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی

مقدمه ..... ۲۷

ارتباط سازمان‌های غیر دولتی با سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی ..... ۳۲

ویژگی‌های سازمان‌ها بین‌المللی فرهنگی غیر دولتی ..... ۳۴

زمینه فعالیت سازمان‌ها بین‌المللی فرهنگی غیردولتی ..... ۳۹

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی فصل دوم ..... ۴۲

### فصل سوم: ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

تعریف مفهوم ارزش ..... ۴۷

تعریف ارزش‌های فرهنگی ..... ۴۸

ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ..... ۴۸

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی فصل سوم ..... ۵۸

### فصل چهارم: راهکارهای بهره‌گیری از سازمان‌ها در ترویج ارزش‌ها

مقدمه ..... ۶۳

۶۴	..... سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی واقعیتی انکارناپذیر
۶۵	..... جمهوری اسلامی و سازگاری با سازمان‌های فرهنگی غیردولتی
۶۸	..... سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و ترویج ارزش‌های فرهنگی
۷۴	..... نتیجه‌گیری
۷۹	..... منابع و مآخذ

## سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای مأموریت‌ها و وظایف خود و به‌منظور بررسی رخدادهای فرهنگی جامعه به انتشار «گزارش فرهنگی» اهتمام می‌ورزد. گزارش فرهنگی، نوعی گزارش کارشناسی ناظر بر مسائل و موضوعات حوزه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که با بررسی پدیده‌های فرهنگی روز جامعه به ارائه راهبردها و راهکارهای رفع مسئله یا موضوع مورد نظر می‌پردازد. گزارش پیش رو، نتیجه بررسی‌ای با موضوع «راهکارهای بهره‌گیری از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی در ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی» به کوشش دکتر حاکم قاسمی است که با نظارت دکتر علی صباغیان در قالب «گزارش فرهنگی» در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.





# فصل اول

## کلیات



## مقدمه

تا قرن بیستم تنها دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی در عرصه بین‌الملل معرفی می‌شدند. صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان مختلف روابط بین‌الملل نیز بر این مبنا به نظریه‌پردازی و تجزیه و تحلیل روابط بین‌المللی می‌پرداختند. اما در قرن بیستم با تحولاتی که در عرصه بین‌المللی به وقوع پیوست به تدریج وضعیت بین‌المللی از اینکه تنها دولت‌ها بازیگران انحصاری در عرصه بین‌المللی باشند تغییر یافت. در نتیجه این تغییر بازیگران جدیدی نیز در کنار دولت‌ها به‌عنوان بازیگران بین‌المللی شناخته شدند. یکی از مهم‌ترین این بازیگران سازمان‌های بین‌المللی بودند که در نتیجه فرایند شکل‌گیری، گسترش و قدرت یافتن سازمان‌های بین‌المللی ظهور کردند.

ظهور سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان بازیگران مؤثر در عرصه بین‌المللی در کنار دولت‌ها، سازمان‌ها را به یکی از عوامل تأثیرگذار در تحولات بین‌المللی تبدیل کرد. از این رو دولت‌ها برای پی‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌های خود نه تنها با واقعیتی

به نام سازمان‌های بین‌المللی روبرو شدند که برقراری نوعی از تعامل با آنها اجتناب‌ناپذیر بود، بلکه با محیطی متأثر از این بازیگران مواجه شدند که به شدت بر سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها نیز تأثیر می‌گذاشتند. بنابراین دولت‌ها کوشیدند تا با شکل دادن همکاری‌ها و تعامل مناسب با سازمان‌های بین‌المللی هم از تأثیرات منفی ناشی از تأثیرات سازمان‌ها بر خود و سیاست‌های خود جلوگیری کنند و هم با استفاده از محیط و فرصتی که سازمان‌های بین‌المللی برای آنها فراهم می‌سازند، در جهت تحقق اهداف و تأمین منافع ملی بهره‌برداری کنند.

در جهت همکاری و تعامل دولت‌ها با سازمان‌ها با هدف بهره‌برداری از آنها و فرصت‌هایی که فراهم می‌آورند، واقعیتی که پیش روی دولت‌هاست این است که سازمان‌های بین‌المللی به شدت متنوع و متعدّدند. این تنوع و تعدّد سازمان‌های بین‌المللی این امکان را که دولت‌ها سیاست واحد و یک‌شکلی را در مواجهه با آنها در پیش بگیرند از آنها سلب کرده است. دولت‌ها ناچارند با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و مختصات شکلی، ساختاری و ماهوی سازمان‌ها سیاست مناسبی را برای تعامل با هریک از این سازمان‌ها طراحی کنند و به اجرا بگذارند. در این جهت دسته‌بندی سازمان‌های بین‌المللی با هدف در پیش گرفتن سیاستی مناسب در قبال هریک از آنها ضرورتی است که پیش روی دولت‌ها قرار دارد.

در یک دسته‌بندی کلی سازمان‌ها بین‌المللی با توجه به معیار نوع بنیان‌گذاران و اعضای سازمان‌ها آنها به سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی تقسیم می‌شوند. سازمان‌های دولتی به آن گروه از سازمان‌ها اطلاق می‌شود که دولت‌ها مؤسس و اعضای آنها هستند و در چارچوب اساسنامه توسط دولت‌های عضو اداره می‌شود. بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی دولتی سازمان ملل متحد است که توسط دولت‌ها تأسیس شده و اعضای آن را دولت‌های عضو تشکیل می‌دهند. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز به سازمان‌هایی گفته می‌شود که دولت‌ها مؤسس آن نبوده و در آنها عضویت ندارند. همچنین این سازمان‌ها به وسیله دولت‌ها اداره نمی‌شوند. این سازمان‌ها

به وسیله افراد و گروه‌های مردمی با اهداف مشخصی تأسیس شده و اعضای آن را نیز مردم تشکیل می‌دهند. سازمان‌های بین‌المللی دولتی با توجه به ارتباط آنها با دولت‌ها و مراکز قدرت به صورت بازیگران مؤثرتر جلوه کرده‌اند، اما با تحولات سیاسی و اجتماعی به وقوع پیوسته در جامعه جهانی و گسترش نقش مردم و بخش غیردولتی در تحولات سیاسی و اجتماعی روز به روز بر قدرت و توان تأثیرگذاری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز افزوده شده، تا جایی که امروزه آنها نیز به‌عنوان بازیگران مؤثر بین‌المللی شناخته می‌شوند.

تعداد زیادی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که امروزه در جهان فعالند در حوزه فرهنگ و مسائل فرهنگی فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها امروزه به بازیگرانی مؤثر در عرصه فرهنگ تبدیل شده‌اند. بخش عمده فعالیت این سازمان‌ها بر گسترش و ترویج ارزش‌های فرهنگی موردنظر بنیان‌گذاران و اداره‌کنندگان این سازمان‌ها متمرکز است. با توجه به این وضعیت، جمهوری اسلامی ایران که در چارچوب سیاست‌های فرهنگی‌اش در صدد گسترش و ترویج ارزش‌های فرهنگی خود است، با برنامه‌ریزی‌های مناسب ضمن آنکه می‌تواند از تأثیرات منفی سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی بر فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی خود جلوگیری نماید، می‌تواند با استفاده از فرصت‌هایی که سازمان‌های فرهنگی غیردولتی در اختیارش قرار می‌دهند، در جهت ترویج و گسترش ارزش‌های فرهنگی خود به صورت فعال اقدام نماید.

در مواجهه جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی مهم‌ترین مسئله چگونگی استفاده از این سازمان‌ها برای ترویج و گسترش ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی است. آنچه مسلم است دولت‌ها با اتخاذ راهکارهای مناسب در مواجهه با سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی می‌توانند از آنها در جهت محدود کردن تهدیدهای فرهنگی و ترویج و گسترش ارزش‌های فرهنگی خود استفاده نمایند. لذا جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با اتخاذ راهکارهای مناسب از فرصت‌هایی که بر اثر فعالیت سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی

برای ترویج ارزش‌های فرهنگی ایجاد می‌شود، در جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی خود استفاده نماید.

از این رو با توجه به جایگاه، نقش و تأثیرات سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی، مهم‌ترین پرسش این پژوهش این است که راهکارهای بهره‌گیری از سازمان‌های فرهنگی غیر دولتی بین‌المللی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی کدام است؟

برای پاسخ به این پرسش ضروری است تا از یک سو ویژگی‌ها و مختصات سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و جایگاه آنها در عرصه بین‌المللی تبیین گردد و از سوی دیگر ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی شناسایی و معرفی شوند. آنگاه با توجه به نوع ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی و ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی غیردولتی، راهکارهای استفاده از این سازمان‌ها برای ترویج ارزش‌های مورد نظر ارائه شود. بنابراین برای پاسخ به سؤال اصلی لازم است تا سؤالات فرعی زیر نیز پاسخ داده شود.

۱. سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی دارای چه ویژگی‌ها و مختصاتی هستند و از چه جایگاهی در عرصه بین‌المللی برخوردارند؟

۲. ارزش‌های فرهنگی چیست و مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی کدامند؟

۳. چگونه می‌توان از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی در عرصه بین‌المللی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد؟

با در نظر گرفتن سؤال اصلی این مطالعه مبنی بر اینکه «چگونه می‌توان از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سود جست و راهکارهای بهره‌برداری از این سازمان‌ها برای ترویج ارزش‌ها کدام است؟» فرضیه اصلی به عنوان پاسخ اولیه به این پرسش این است که «با حمایت و پشتیبانی از ایجاد سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی مدافع

ارزش‌های جمهوری اسلامی از یک سو و استفاده از اهرم‌های مؤثر برای تأثیرگذاری بر سازمان‌های فرهنگی غیردولتی موجود از سوی دیگر می‌توان از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. از طرف دیگر با هدف‌گذاری، اولویت‌بندی اهداف، دسته‌بندی سازمان‌ها از نظر نوع فعالیت و حوزه فعالیت، و مشخص کردن ابزارها و روش‌های مناسب برای تعامل با هریک از این سازمان‌ها در جهت دستیابی به اهداف، می‌توان راهکارهای مناسب را طراحی و در جهت تعامل با این سازمان‌ها برای دستیابی به اهداف به کار بست.

در این مطالعه، تلاش بر آن است که با بررسی ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و نحوه فعالیت و تعامل آنها در محیط بین‌المللی، اهرم‌ها، ابزارها و روش‌هایی که این سازمان‌ها برای تأثیرگذاری مورد استفاده قرار می‌دهند معرفی شوند. از طرف دیگر با معرفی ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی، تلاش می‌شود چگونگی ارتباط با سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و راهکارهای استفاده از آنها برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی معرفی شود. در این پژوهش نقطه تمرکز از نظر موضوعی سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی است. اما از نظر مکانی و زمانی محدوده خاصی مورد نظر نیست. تلاش بر آن است تا با بررسی ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و نحوه فعالیت و تعامل آنها در محیط بین‌المللی، راهکارهایی که استفاده از آنها برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مناسب است استخراج و ارائه شود.

### طرح مسئله و روش

پرسشی که در این مطالعه مطرح می‌شود این است که این موضوع چه اهمیتی دارد و ضرورت پرداختن به آن چیست؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی ضمن آنکه به‌عنوان بازیگران بین‌المللی مؤثر



در عرصه فرهنگ در صحنه بین‌المللی به ایفای نقش می‌پردازند و برای پی‌گیری و پیشبرد اهداف و برنامه‌های فرهنگی همکاری با آنها می‌تواند کارساز واقع شود، به عنوان عناصری شناخته می‌شوند که بر محیط فرهنگی بین‌المللی تأثیر می‌گذارند و در شکل‌دادن آن مؤثرند. از این رو دولت‌ها از دو جهت با این سازمان‌ها مواجه می‌شوند. از یک جهت به صورت مستقیم و در تعامل و همکاری با آنها، و از جهت دیگر به صورت غیرمستقیم و در تعاملی که با محیط فرهنگی بین‌المللی برقرار می‌کنند.

از سوی دیگر این گروه از سازمان‌ها با توجه به ویژگی غیردولتی بودن، آنها را به حلقه وصل و ارتباط با جوامع تبدیل کرده است. همکاری با این گروه از سازمان‌ها ضمن آنکه نیازی به محدود شدن در چارچوب تشریفات دولتی را ندارد، به صورت مستقیم و بدون واسطه دولت‌ها، امکان ارتباط با جوامع انسانی مختلف را فراهم می‌آورد. این ویژگی موجب شده است تا سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به مجرای برای پیوند خوردن با ملت‌ها تبدیل شوند. از این رو سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی نه تنها به‌عنوان بازیگرانی فعال که نادیده انگاشتن آنها امکان‌پذیر نیست و در نظر گرفتن آنها در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و اجرای برنامه در عرصه‌های فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است، بلکه به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر محیط فرهنگی و حلقه وصل و ارتباط با سایر جوامع و فرهنگ‌ها جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. این وضعیت به سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی اهمیت بالایی بخشیده است.

با توجه به تاثیر دوگانه و کاملاً نسبی سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بر فرهنگ‌ها و محیط فرهنگی نه می‌توان آنها را نفی و انکار کرد و نه می‌توان آنها را یک سره مثبت و به‌عنوان فرصت در نظر گرفت. بلکه باید کوشید با توجه به تهدیدها و فرصت‌هایی که این گروه از سازمان‌ها خلق می‌کنند، با آنها برخورد و تعامل نمود. بنابراین مطالعه و شناسایی این سازمان‌ها و فرصت‌هایی که ایجاد کرده‌اند و راهکارهای

استفاده از این فرصت‌ها با هدف بهره‌برداری مناسب از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی ضروری است. جمهوری اسلامی ایران نیز که در چارچوب سیاست‌های فرهنگی‌اش درصد گسترش و ترویج ارزش‌های فرهنگی خود است، ضروری است با شناسایی راهکارهای استفاده از این سازمان‌ها، از آنها به‌عنوان فرصتی برای ترویج و گسترش ارزش‌های فرهنگی و در جهت دستیابی به اهداف فرهنگی بهره‌برداری نماید.

هدف این پژوهش آن است که با بررسی سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی، ضمن معرفی این گروه از بازیگران بین‌المللی فعال در عرصه فرهنگ، راهکارهای بهره‌گیری از آنها در جهت ترویج و گسترش ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را تبیین و معرفی نماید.

با توجه به اهمیت یافتن سازمان‌های غیردولتی در عرصه بین‌المللی است که آثار مختلفی درباره آنها به رشته تحریر درآمده و ادبیات لازم در این زمینه تولید شده است. درباره سازمان‌های غیردولتی بطور عام و سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی بطور خاص، کتاب‌ها و مقالات مختلفی به زبان لاتین می‌توان یافت، اما آثار مربوط به این حوزه به‌ویژه درباره سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی به زبان فارسی محدود است. این امر از آنجا ناشی می‌شود که حوزه مطالعاتی مربوط به سازمان‌های غیردولتی در ایران حوزه نسبتاً جدید است. با این همه در این باره در یکی دو دهه اخیر کتاب‌ها و منابع مختلفی منتشر شده است.

ادبیات موجود به زبان فارسی درباره سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی را در دو گروه از آثار می‌توان دریافت مطالعه کرد. یکی آثاری که بطور کلی به بحث در باره سازمان‌های غیردولتی پرداخته است. در این زمینه منابع متعددی می‌توان یافت. برخی از این منابع به معرفی سازمان‌های غیردولتی پرداخته‌اند. مانند کتاب سازمان‌های غیردولتی، تاریخچه، تعریف و ویژگی‌ها از انتشارات سازمان بهزیستی کشور معاونت امور فرهنگی و پیشگیری (۱۳۸۲). این گروه از آثار به بیان تاریخچه و تشکیلات سازمان‌های غیردولتی پرداخته است.

برخی از منابع نیز به مباحث نظری درباره سازمان‌های غیردولتی پرداخته‌اند. این آثار با طرح مباحث نظری، نقش، کارکردها و تأثیرات این سازمان‌ها را معرفی کرده‌اند. کتاب بنا نهادن فرهنگ جهانی<sup>۱</sup> (Boli, and Thomas, 1999) که به گسترش سازمان‌های غیردولتی در جهان توجه نشان داده و کتاب وجدان جهانی<sup>۲</sup> (Willets, 1996) که در آن به بررسی نفوذ و تاثیر سازمان‌های غیردولتی در سازمان ملل متحد پرداخته شده و همچنین کتاب‌های نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار اثر محمدجواد زاهدی (۱۳۸۸) و کتاب راهنمای سازمان‌های غیردولتی نوشته محمودرضا گلشن پژوه (۱۳۸۸) از جمله این آثاراند.

تعداد زیادی از منابع نیز بیشتر جنبه آموزشی دارند و کوشیده‌اند از منظری مدیریتی نحوه اداره و مدیریت سازمان‌های غیردولتی را در جهت دستیابی به اهداف توضیح دهند. کتاب اصول و مبانی مدیریت سازمان‌های غیردولتی نوشته فرشاد رفیعی (۱۳۸۷) و کتاب مدیریت سازمان‌های غیردولتی نوشته مایکل ادواردز، و آلم فردریک فولر (۱۳۸۳) از این گروه از آثار به حساب می‌آیند.

برخی از منابع نیز به صورت خاص یک سازمان غیردولتی را مورد توجه و بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. بررسی نحوه مشارکت تشکل‌های مردم نهاد (سمن) با پلیس نوشته خورشیدوند (۱۳۸۷) و کتاب سازمان‌های غیردولتی در راستای مبارزه با اعتیاد، نوشته داریوش لامعی، و عبدالله المیری (۱۳۸۰) از این نوعند.

دسته دوم منابعی هستند که به طور خاص به سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی اختصاص دارند. این منابع یا یک سازمان از این گروه از سازمان‌ها را بررسی کرده‌اند یا آنکه به صورت عام سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی را مورد توجه قرار داده و به توضیح و تبیین درباره آنها پرداخته‌اند. نکته مهم درباره

---

1- Constructing world culture: international nongovernmental organizations since 1875

2- The conscience of the world: the influence of non-governmental organizations in the U.N. System

این نوع از منابع آن است که این گروه از منابع بسیار محدود هستند. از این رو پژوهش حاضر می‌تواند با تولید ادبیات درباره سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی بخشی از خلاء موجود در این‌باره را پر نماید.

از طرف دیگر این پژوهش ویژگی منحصر به فردی دارد که آن را از پژوهش‌های دیگر در این زمینه متمایز می‌سازد. این ویژگی آن است که در آن تمرکز اصلی بر روی راهکارهای استفاده جمهوری اسلامی ایران از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی است. این ویژگی به پژوهش جنبه کاربردی بخشیده است. از این جهت این پژوهش به موضوعی پرداخته که درباره آن اثری تولید نشده است. لذا این پژوهش می‌تواند این خلاء را پر کند و ضمن پاسخ به برخی سؤال‌ها، به صورت یک راهنما، چگونگی بهره‌برداری از این گروه از سازمان‌ها را تبیین نماید.

درباره شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی در عرصه بین‌المللی و تأثیرات آنها نظرات مختلفی ارائه شده است. با توجه به موضوع پژوهش چارچوب نظری قابل ارائه برای بحث نظریه نهادگرایی است. در نظریه نهادگرایی جامعه بین‌المللی به گونه‌ای توصیف شده است که در آن بازیگران مختلف با منافع متفاوت حضور دارند. اما با توجه به مشترکاتی که آنها دارند می‌کوشند تا منافع متفاوت و گاه متعارض خود را در چارچوب نهادهای بین‌المللی و با همکاری با یکدیگر تعقیب و تأمین نمایند.

نهادگرایی در سیر تاریخی خود مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و تکامل یافته است. از این رو ما با انواع نهادگرایی روبرو هستیم (Peters, 1999). در نهادگرایی کلاسیک اساساً با نگرشی هنجاری بر شکل دادن نهادهای بین‌المللی برای تعقیب منافع مشترک تأکید می‌شد. از این رو این نوع از نهادگرایی وجهی ایدالیستی یافته و چندان منطبق بر واقعیت‌های بیرونی نبود. ناکامی نهادهایی چون جامعه ملل در تعقیب اهداف بنیان‌گذاران آن منطبق نبودن این نگرش با واقعیت‌های جامعه بین‌المللی را به تصویر کشید. اما این وضعیت منجر به تضعیف و فراموشی نظریه نهادگرایی نشد.

گسترش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از یک سو و ضرورت‌هایی که همکاری‌های بین‌المللی و سازمان‌دهی آنها را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت موجب قوت گرفتن نسل جدیدی از نهادگرایی شد. نهادگرایی جدید اگرچه بر همکاری و نقش سازمان‌ها و نهادها در شکل‌گیری این همکاری تأکید دارد، اما آن را ناشی از ضرورت‌های هنجاری و اخلاقی نمی‌داند. بلکه این همکاری را ناشی از واقعیت‌های زندگی در جامعه بین‌المللی و ضرورت‌های کارکردی می‌داند. از نظر نهادگرایان جدید بسیاری از آن چه را امروزه دولت‌ها از انجام دادن آن عاجزند سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌توانند انجام دهند. در نتیجه وجود این واقعیت از یک سو اهمیت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش یافته که حاصل آن ظهور انواع و اقسام سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است.

از سوی دیگر با کارکرد مثبتی که سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در تأمین انواع منافع ملت‌ها از خود بروز داده‌اند، گرایش دولت‌ها به سوی این نهادها افزایش یافته است. دولت‌ها با مشاهده آثار مثبت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در تأمین منافع، دور ماندن از همکاری در چارچوب این نهادها را به زیان خود ارزیابی کرده، می‌کوشند بیش از پیش به همکاری با سایر بازیگران در چارچوب نهادهای بین‌المللی بپردازند. بر اساس این دیدگاه هر چه دولت‌ها به صورت عمیق‌تری وارد فرآیند هم‌گرایی شوند، بهای دور ماندن از همکاری بیشتر رو به افزایش خواهد گذارد. از این رو به همکاری در چارچوب نهادها گرایش می‌یابند (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ص ۶۰).

از منظر نظریه نهادگرایی جامعه بین‌المللی اگرچه محیطی آثارشیک دارد و عرصه رقابت بازیگرانی با منافع متعارض و متضاد است اما در این جامعه رقابت اصالت ندارد، آنچه اصالت دارد منافع است که بسیاری از آنها نیز بین واحدهای مختلف مشترک است. از این رو اگر بازیگران در یک بخش همکاری را با یکدیگر آغاز کنند و دریابند که در خارج از رقابت‌های منازعه‌آمیز و در چارچوب‌های همکاری جویانه می‌توانند به منافع خود دست یابند، از رقابت و ستیز با یکدیگر دست کشیده به همکاری تمایل

پیدا می‌کنند. چنان‌که همکاری در بخش انرژی دولت‌های اروپایی را دلگرم ساخت تا طرح‌های آینده‌نگرانانه بیشتری را برای جامعه اقتصادی اروپایی دنبال کنند که در معاهده رم در سال ۱۹۵۶ متجلی گشت. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۳۸۴).

از دیدگاه نهادگرایان در کنار مسئله جنگ و صلح ترکیب مختلفی از مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیط زیستی و نظایر آنها از مسائل پیش روی ملت‌ها به حساب می‌آید. این مجموعه مسائل زمینه‌های عینی و واقعی را برای همکاری بازیگران بین‌المللی فراهم ساخته است. از سوی دیگر عرصه بین‌المللی تنها عرصه بازی دولت‌ها نیست بلکه بازیگران متنوعی از جمله سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی بازیگران عرصه بین‌المللی به حساب می‌آیند. وجود این بازیگران بازی را از انحصار دولت‌ها خارج ساخته و بازیگرانی نظیر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را که فعالیت آنها بر همکاری استوار است فعال کرده است.

در چارچوب نظریه نهادگرایی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به صورت بازیگران مؤثر در عرصه بین‌المللی در نظر گرفته شده است. این بازیگران ضمن آنکه از محیط بین‌المللی و عوامل محیطی تأثیر می‌پذیرند، بر آن تأثیر نیز می‌گذارند. در این دیدگاه تأثیر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی آن‌چنان گسترده و عمیق تصور شده است که آنها می‌توانند فرایندهای بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده و تحولات عمیق و گسترده‌ای را رقم بزنند. از این رو بازیگران دولتی و ملت‌ها می‌کوشند با حضور و نفوذ در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اهداف و منافع خود را تعقیب نمایند.

بر اساس این نظریه سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی به عنوان نهادهای مؤثر در عرصه بین‌المللی و به عنوان یکی از بازیگران بین‌المللی محسوب می‌شوند که با سایر بازیگران مانند سازمان‌ها (دولتی و غیردولتی) و دولت‌ها در رابطه متقابل قرار دارند. به‌علاوه در یک رابطه تعاملی با محیط بین‌المللی نیز به سر می‌برند. از این رو هم از سایر بازیگران و محیط بین‌المللی تأثیر می‌پذیرند و هم اینکه می‌توانند بر آنها تأثیر بگذارند. بر این اساس هر بازیگری از جمله جمهوری اسلامی ضمن

آنکه از این گروه از بازیگران و شرایط محیطی ناشی از فعالیت آنها تأثیر می‌پذیرند، می‌توانند بر آنها تأثیر بگذارند و از مجرای تعامل با آنها بر محیط بین‌المللی نیز تأثیر بگذارند. با توجه به این وضعیت، می‌توان با استفاده از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی در جهت تعقیب و تأمین اهداف از جمله گسترش و ترویج ارزش‌های مورد نظر اقدام نمود.

سه مفهوم از مفاهیم اساسی در این مطالعه عبارت‌اند از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی، ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی، راهکارهای استفاده از سازمان‌ها.

۱. سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی: از سازمان‌های غیردولتی تعاریف مختلفی ارائه شده است. اغلب این تعاریف بر چند ویژگی تأکید دارند: مستقل از دولت‌ها هستند، عام‌المنفعه، داوطلبانه و فاقد سودجویی هستند و بر اساس قوانین داخلی کشورها ایجاد می‌شوند و در یک حوزه مشخصی فعالیت می‌کنند. با توجه به این سه ویژگی می‌توان گفت سازمان‌های غیردولتی به آن گروه از سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که مستقل از دولت‌ها و بدون سودجویی، به صورت داوطلبانه تشکیل می‌شوند و در حوزه‌ای که مشخص شده است به فعالیت می‌پردازند.

این گروه از سازمان‌ها با توجه به محدوده فعالیت خود می‌توانند محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشند. در این پژوهش بین‌المللی بودن به معنای فعالیت مؤثر داشتن در بیش از یک جامعه و سرزمین ملی است. بنابراین مجموعه سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای و بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی به حساب می‌آیند. خصوصیات کلی سازمان‌های بین‌المللی عبارتند از: «دارای استقلال (از دولت‌ها) و شخصیت بین‌المللی هستند، دارای سازمان و تشکیلات منظم بین‌المللی هستند، غیرسیاسی‌اند، و ارتباط گسترده‌ای با سازمان‌های بین‌المللی دارند». (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۷ص ۱۶۹-۱۷۰).

فرهنگی بودن هم اشاره به حوزه و زمینه فعالیت سازمان‌ها دارد. سازمان‌ها بسته

به حوزه و زمینه فعالیت خود، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تجاری، ورزشی و ... هستند. سازمان فرهنگی به سازمانی اطلاق می‌شود حوزه و زمینه فعالیت آنها فرهنگی و یا مرتبط با فرهنگ است.

با توجه به این تعاریف، سازمان فرهنگی غیردولتی بین‌المللی سازمانی است مستقل از دولت‌ها، عام‌المنفعه، داوطلبانه، فاقد جهت‌گیری سودجویانه، که براساس قوانین داخلی کشورها برای فعالیت در حوزه فرهنگ ایجاد می‌شود، اما ارتباط گسترده‌ای با سازمان‌های بین‌المللی دارد و فعالیتش محدود در کشور محل استقرار نیست و در بیش از یک کشور فعالیت مؤثر دارد.

۲. ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: واژه ارزش در زبان فارسی اسم مصدر ارزیدن و دارای معانی مختلفی بدین شرح است: قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زیندگی، برازندگی، و قابلیت (فرهنگ معین و لغت‌نامه دهخدا). اما در اصطلاح جامعه‌شناسی ارزش اجتماعی عبارت از چیزی است که موضوع پذیرش همگان است. ارزش اجتماعی واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهد که مطلوبیت دارند و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه است.

«ارزش‌ها اعتقادات یک فرد، گروه، یا جامعه درباره رفتار، اعمال، تفکرات است به‌گونه‌ای که اعمال پسندیده را از اعمال ناپسند مجزا سازد. ارزش‌ها جنبه‌هایی از زندگی انسان‌هاست که داورى درباره خوب و بد را میسر می‌سازد» (شایان‌مهر، ۱۳۷۷ص ۵۲). «ارزش‌های اجتماعی مقیاس‌هایی هستند که از طرف یک جامعه به عنوان ملاک ارزیابی افکار، هدف‌ها، و اعمال افراد و گروه‌ها پذیرفته شده‌اند و اساس پذیرش و رد پاداش‌ها و کیفرها هستند» (شایان‌مهر، ۱۳۷۷ص ۵۲). ارزش‌های فرهنگی نوعی و بخشی از ارزش‌های اجتماعی هستند. بنابراین آنچه در عرصه فرهنگ از نظر عامه مردم جامعه ارزش و مطلوبیت دارد و مردم در زندگی خود آن را به‌کار می‌بندند و یا می‌کوشند تحقق بخشند ارزش فرهنگی شناخته می‌شود.

با این تعریف ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی شامل مجموعه ارزش‌هایی



است که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی و در سطح ایران مطلوبیت دارد و نظام سیاسی نه تنها در جهت حفظ و گسترش آنها در سطح ملی تلاش می‌کند، بلکه می‌کوشد تا آنها را در سطح بین‌المللی و در بین ملت‌ها نیز ترویج نماید. این مجموعه ارزش‌ها به صورت مدون در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس شده است. بنابراین با مبنا قراردادن قانون اساسی تلاش می‌شود این ارزش‌ها معرفی شوند.

۳. راهکارهای ترویج و گسترش ارزش‌های فرهنگی: مراد از راهکارهای ترویج ارزش‌ها در این پژوهش، نحوه به‌کار بستن امکانات، ابزارها، نیروها و توانمندی‌ها و چگونگی تعامل با محیط و بازیگران با هدف دستیابی به اهداف است. در این مطالعه با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن توصیف سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و نحوه فعالیت آنها، به تحلیل ارتباط بین عملکرد این سازمان‌ها و ترویج ارزش‌های فرهنگی پرداخته شده است. با تبیین این ارتباط سعی می‌شود راهکارهای مناسب برای استفاده از این سازمان‌ها برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی استخراج شود.

## **فصل دوم**

**ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی**

**غیردولتی بین‌المللی**



## مقدمه

در دسته‌بندی سازمان‌ها با توجه به معیار نوع بنیان‌گذاران و اعضای سازمان‌ها، آنها را به سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی تقسیم می‌کنند. سازمان‌های دولتی به آن گروه از سازمان‌ها اطلاق می‌شود که دولت‌ها مؤسس و اعضای آنها هستند و در چارچوب اساسنامه مصوب توسط دولت‌های عضو اداره می‌شود. بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی دولتی سازمان ملل متحد است که توسط دولت‌ها تأسیس شده و اعضای آن را دولت‌های عضو تشکیل می‌دهند و بر اساس منشور ملل متحد که به تأیید دولت‌ها رسیده است فعالیت می‌کند.

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز به سازمان‌هایی گفته می‌شود که دولت‌ها مؤسس آن نبوده و در آنها عضویت ندارند. همچنین این سازمان‌ها به وسیله دولت‌ها اداره نمی‌شوند. این سازمان‌ها به وسیله افراد و گروه‌های مردمی با اهداف مشخصی تأسیس شده و اعضای آن را نیز مردم تشکیل می‌دهند. سازمان‌های بین‌المللی دولتی با توجه به ارتباط آنها با دولت‌ها و مراکز قدرت به صورت بازیگران موثرتر جلوه

کرده‌اند، اما با تحولات سیاسی و اجتماعی به وقوع پیوسته در جامعه جهانی و گسترش نقش مردم و بخش غیردولتی در تحولات سیاسی و اجتماعی روز به روز بر قدرت و توان تاثیرگذاری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز افزوده شده است. «رشد بی‌سابقه این‌گونه سازمان‌ها، به‌ویژه در دهه‌های اخیر باعث شده است که ساختار آن از مفهومی تقریباً ناشناخته با حیطه وظایف ثابت و محدود، به گونه‌ای شگفت‌انگیز تغییر یافته و به بازیگری قدرتمند در عرصه ملی و بین‌المللی و با توانایی و تاثیرگذاری بسیار - گاهی همدوش دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی - تبدیل شود» (گلشن پژوه، ۱۳۹۱).

با توجه به تبدیل شدن سازمان‌های فرهنگی غیردولتی به بازیگر بین‌المللی و با توجه به افزایش تعداد این گروه از بازیگران، جامعه بین‌المللی با افزایش چشمگیر بازیگران بین‌المللی روبروست. علت افزایش چشمگیر سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی را به دو عامل نسبت می‌دهند. این دو عامل عبارتند از: ۱. سادگی روند ایجاد این سازمان‌ها که نیازی به انعقاد معاهده بین‌الدولی ندارند و در چارچوب حقوق داخلی کشورها ایجاد می‌شوند. ۲. این سازمان‌ها به دلیل اینکه از ساختار بین‌الدولی برخوردار نیستند از انطباق بیشتری با شرایط عینی برخوردارند و چون در عین حال از ابزارهای مادی لازم هم برخوردار هستند ساده‌تر به اهداف خود می‌رسند (بیگ زاده، ۱۳۷۳، ص ۳۰۰).

عامل دیگری که می‌توان به این عوامل افزود این است که با توجه با تاکید بر اصل منافع ملی دولت‌ها همواره با اصطکاک بین منافع خود روبرو هستند. این امر امکان توافق برای تشکیل یک سازمان بین‌الدولی را دشوار می‌کند. اما در سازمان‌های غیردولتی تأکید بر منافع فرد و گروه خاص وجود ندارد و از ابتدا نفع مشترک اعضا را کنار هم گرد می‌آورد. بنابر این توافق بین آنها برای تشکیل یک سازمان با سهولت بیشتری حاصل می‌شود.

وضعیتی که امروزه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی پیدا کرده‌اند به یک‌باره

حاصل نشده بلکه در یک فرایند تکاملی به دست آمده است. مرور تاریخچه شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی نشان می‌دهد آنها دوره‌های مختلفی را طی کرده و مرحله به مرحله و همراه با تحولات جهانی رشد کرده و گسترش یافته‌اند. (خزائلی پارسا، ۱۳۸۲). «سازمان‌های غیردولتی در فرایند شکل‌گیری خود سه مرحله‌ی تکاملی را طی کرده‌اند. کورتون در سال ۱۹۹۰، این سه مرحله را بدین شکل شرح داده است. مرحله‌ی اول: بر امدادسانی و رفاه متمرکز بوده و مستقیماً به افراد ذی‌نفع خدمت می‌کرده‌اند. مرحله‌ی دوم: سازمان‌های غیردولتی به مجموعه‌های مستقل و خودکفای محلی تبدیل شدند. و در مرحله سوم سازمان‌های غیردولتی می‌کوشند تا تغییراتی را در سیاست‌گذاری‌ها در سطح ملی و بین‌المللی به وجود آورند. در این مرحله سازمان‌های غیردولتی نقش هدایت‌کننده و سرعت‌دهنده را در راستای توسعه بر عهده گرفتند» (آقا موسی تهرانی، ۱۳۸۹).

با توجه به فرایند افزایش سازمان‌های غیردولتی، جامعه بین‌المللی با ظهور سازمان‌های غیردولتی متعدد به‌عنوان بازیگران جدید در نظام بین‌الملل مواجه شده است. این امر می‌تواند تأثیرات متعدد، گسترده و عمیقی بر جامعه بین‌المللی بر جای بگذارد. البته ایفای نقش و مشارکت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در مسائل بین‌المللی جدید نیست و سابقه‌ی آن به قرن ۱۸ برمی‌گردد. اما در عصر حاضر شاهد افزایش تعداد این گروه از سازمان‌ها و مشارکت بیشتر آنها در مسائل بین‌المللی هستیم. این امر تأثیرات آنها را نیز گسترده‌تر و عمیق‌تر کرده است (خزائلی پارسا، ۱۳۸۲). سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به توسعه و بسط حقوق بین‌الملل در خصوص موضوعات مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و ... کمک کرده‌اند. بسیاری از ناظران اقدامات مؤثری مانند لغو برده‌داری، توجه به حقوق کارگران، افزایش نقش اجتماعی زنان و مواردی از این نوع از جمله دستاوردهای فعالیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در عرصه بین‌المللی می‌دانند. با توجه به آثار مثبت ناشی از فعالیت سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی است که آنها به‌عنوان راهی برای دست‌یابی

به توسعه پایدار معرفی شده‌اند (زاهدی، ۱۳۸۸).

سازمان‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلفی فعالیت دارند. بنابراین آنها از نظر حوزه فعالیت نیز به انواع و اقسام تقسیم می‌شوند و تقسیم‌بندی دیگری که از سازمان‌ها صورت گرفته تقسیم آنها بر اساس حوزه فعالیت آنهاست. با توجه به این معیار سازمان‌ها به سازمان‌ها سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... تقسیم می‌شوند. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز با توجه به نوع و حوزه فعالیت خود به انواع مختلفی تقسیم شده‌اند. یکی از این نوع از سازمان‌ها، سازمان‌ها بین‌المللی فرهنگی غیردولتی است.

سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی که امروزه به‌عنوان بازیگران بین‌المللی مؤثر در کنار سایر بازیگران ایفای نقش می‌کنند، به‌عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر تحولات فرهنگی و شکل‌دهنده محیط فرهنگی بین‌المللی شناخته می‌شوند. این سازمان‌ها با توجه به کارکردها و تاثیرات گسترده خود نه تنها بر محیط فرهنگی بین‌المللی تأثیر می‌گذارند، بلکه دامنه تأثیر آنها به درون مرزهای ملی نیز کشیده شده و توان تأثیرگذاری بر فرهنگ‌های ملی و بومی را نیز یافته‌اند. از این رو این سازمان‌ها هم به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی و عامل مؤثر در محیط فرهنگی بین‌المللی و هم به‌عنوان عامل مؤثر بر فرهنگ‌های بومی و ملی اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند.

اهمیت این سازمان‌ها از یک سو از اصل وجود این سازمان‌ها به‌عنوان بازیگران مؤثر در عرصه بین‌المللی، و از طرف دیگر از نسبت و ارتباط آنها با حوزه فرهنگ ناشی می‌شود. فرهنگ به مجموعه آداب، رسوم، سنن، اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، هنجارها، آیین‌ها، دانش و آگاهی‌ها، میثاق‌ها و مواردی نظیر اینها که غیرمادی است و طی فرایندهای تاریخی شکل گرفته و وجودی مستقل از انسان‌ها یافته و آرمان‌ها، نگرش آنها به زندگی و نحوه زندگی آنها را تحت تأثیر خود قرار داده است گفته می‌شود. فرهنگ موجب شکل‌گیری هویت برای یک مجموعه انسانی می‌شود. هویتی که بر اساس آن هر مجموعه انسانی خود را تعریف می‌کند و بر اساس آن خود را

متمایز و متفاوت از دیگر مجموعه‌های انسانی می‌شناسد و معرفی می‌کند. از این جهت فرهنگ عنصر معنوی مؤثر در شکل‌گیری و موجودیت یافتن یک جامعه به حساب می‌آید. سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی از این جهت که می‌توانند بر فرهنگ‌ها تاثیر بگذارند و توانایی تاثیرگذاری بر وجود معنوی جوامع را دارند، از اهمیت بالایی برخوردارند.

تأثیر سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بر فرهنگ‌ها و محیط فرهنگی دوگانه و کاملاً نسبی است. این سازمان‌ها با توجه به فعالیت‌ها، و جهت‌گیری خود ممکن است فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه را تضعیف، و فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ای دیگر را تقویت نمایند. بنابراین عملکرد و تأثیرات آنها از منظری مثبت و از منظری دیگر ممکن است منفی تلقی شود. با توجه به این وضعیت حضور و فعالیت این سازمان‌ها گاهی به صورت تهدید و زمانی به صورت فرصت برای یک فرهنگ و ارزش‌های آن جلوه می‌کند. بنابراین نه می‌توان همه آنها را یک سره نفی و انکار کرد و نادیده انگاشت و نه می‌توان فعالیت همه آنها را مثبت و به‌عنوان فرصت در نظر گرفت. بلکه باید این گروه از سازمان‌ها را به صورت واقعیت‌هایی در نظر گرفت که فعالیت برخی از آنها آسیب و تهدید، و فعالیت برخی دیگر فرصت‌هایی ارزشمند به همراه دارند.

از این جهت باید کوشید با توجه به تهدیدها و فرصت‌هایی که در نتیجه فعالیت این گروه از سازمان‌ها خلق می‌شود، نحوه برخورد و تعامل با آنها را هدایت و مدیریت نمود. در این صورت می‌توان با کاستن از آسیب‌های فرهنگی ناشی از فعالیت سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی، از فرصت‌های خلق شده از فعالیت این سازمان‌ها سود برد. آنچه می‌تواند در این جهت به ما کمک کند و شرایطی را فراهم نماید که از آنها به‌عنوان فرصت‌های ارزشمند استفاده شود شناخت این سازمان‌ها و ویژگی‌های آنها و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متناسب با توجه به این ویژگی‌ها ضروری است.



### ارتباط سازمان‌های غیر دولتی با سازمان‌های بین‌المللی بین‌دولتی

بعد از شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی این سازمان‌ها به صورت بازیگران بین‌المللی ظاهر شدند. یکی از مسائلی که برای فعالیت آنها در عرصه بین‌المللی مطرح شد، چگونگی ارتباط آنها با سازمان‌های بین‌المللی بین‌دولتی بود. این مسئله هم برای سازمان‌های غیردولتی و هم برای سازمان‌های بین‌المللی بین‌دولتی حائز اهمیت بود. شاید در آغاز فعالیت سازمان‌های غیردولتی به دلیل نقش و تاثیر محدود آنها، چندان اعتنایی به این سازمان‌ها به‌عنوان بازیگرانی که همکاری آنها می‌تواند در پیشبرد اهداف سازمان‌های دولتی و دولت‌ها مؤثر باشد، نمی‌شد. اما با رشد سازمان‌های غیردولتی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم به این سازمان‌ها به‌عنوان بازیگرانی نگریده شده که امکان نادیده گرفتن‌شان وجود ندارد. آنها می‌توانند هم به‌عنوان کمک‌کار سازمان‌های دولتی و دولت‌ها و هم به‌عنوان مانع و مخالف سازمان‌های دولتی و دولت‌ها عمل کنند. بنابراین شکل دادن روابطی که بتوان بر اساس آن از همکاری و ارتباط با سازمان‌های غیردولتی برای رسیدن به اهداف سود برد اهمیت یافت و در دستور کار قرار گرفت. لذاست که سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها تلاش کردند از این بازیگران جدید برای دستیابی به اهداف استفاده کنند و سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی را به‌عنوان سازمان‌های مؤثر و به‌عنوان بازوی مشورتی خود پذیرفت (گلشن پژوه، ۱۳۹۱، ص ۴۷-۵۷).

بعد از تشکیل سازمان ملل و با توجه به ماده ۷۱ منشور این سازمان، مجمع عمومی ابراز تمایل کرد تا با سازمان‌های غیردولتی تبادل اطلاعات کند. بر اساس منشور ملل متحد «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور در حیطه صلاحیت شورا اشتغال دارند هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید. این ترتیبات ممکن است درباره سازمان‌های بین‌المللی در جایی که اقتضا نماید، درباره سازمان‌های ملی پس از مشورت با عضو ذی‌نفع ملل متحد اعمال گردد» (منشور ملل متحد، ماده ۷۱).

## فصل دوم: ویژگی‌های سازمان‌های ... ■ ۳۳

پیرو ابراز تمایل مجمع عمومی، این مجمع در قطعنامه‌ی شماره ۴ در سال ۱۹۴۶ از شورای اقتصادی و اجتماعی خواست تا کمیته‌ای کارشناسی جهت طبقه‌بندی این سازمان‌ها تشکیل دهد که تصمیمات شورای اقتصادی و اجتماعی نیز در مورد مقام مشورتی برای سازمان‌های غیردولتی بر اساس توصیه این کمیته بین دولتی انجام پذیرد. این کمیته ۱۹ عضو دارد و به صورت سالیانه تشکیل جلسه می‌دهد. کمیته مذکور طی قطعنامه شماره ۱۲۹۶ در سال ۱۹۶۸ ضوابط و شرایط اعطای مقام مشورتی به سازمان‌های غیردولتی را تصویب کرد. سرانجام این ضوابط در سال ۱۹۹۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان رسید. با این شرط که سازمان‌های غیردولتی با موضوعاتی که در حیطه‌ی شورای اقتصادی و اجتماعی است مرتبط باشند. غیر از کمیته مذکور، سه نهاد دیگر نیز در سازمان ملل متحد با امور سازمان‌های غیردولتی در ارتباط هستند که عبارتند از:

۱. اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد (undpi)،

۲. دفتر ارتباطی سازمان‌های غیردولت (ungo)،

۳. سرویس ارتباطی سازمان‌های غیردولتی (ngls).

در مجموع وظایف سه نهاد مذکور را می‌توان فعالیت‌هایی از قبیل ایجاد ارتباط و همکاری‌های فی‌مابین سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی در زمینه‌های آموزشی، تبادل اطلاعات، تشکیل جلسات توجیهی، فراهم‌نمودن تسهیلات برای استفاده از اسناد سازمان ملل، و انجام امور اداری برای برقراری ارتباطات و مواردی از این نوع برشمرد (موسی زاده، ۱۳۹۰، ص ۶۶ - ۶۹).

در پی رشد و توسعه سازمان‌های غیردولتی، هم دولت‌ها و هم سازمان‌های بین‌المللی بر آن شدند تا با ارائه و تدوین سازوکارهایی خاص، انرژی سرشار سازمان‌های غیردولتی را نهادینه ساخته در جهت اعتلای اهداف خود یا جامعه ملی و بین‌المللی به‌کار گیرند. تدوین قطعنامه E/۱۹۹۶/۳۱ در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل که ناظر بر روابط مشورتی میان سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد و

ارگان‌های تابعه آن است، اوج موفقیت سازمان ملل در نهادینه‌سازی این روابط به شمار می‌آید. دولت‌ها نیز در سطوح ملی تلاش نمودند تا با تصویب قواعدی ویژه برای ثبت و دسته‌بندی سازمان‌های غیردولتی آنها را در رسیدن به اهدافشان یاری رسانند (گلشن پژوه، ۱۳۸۸).

### ویژگی‌های سازمان‌ها بین‌المللی فرهنگی غیر دولتی

سازمان‌ها بین‌المللی فرهنگی غیردولتی ویژگی‌هایی دارند که آنها را از سایر سازمان‌ها متمایز می‌کنند. با توجه به اینکه این سازمان‌ها به‌عنوان بازیگران بین‌المللی شناخته می‌شوند، ویژگی‌های متمایز کننده آنها موجب می‌شود تا آنها بازیها و تأثیرات متفاوتی با سایر بازیگران داشته باشند. شناخت ویژگی‌های متمایز کننده سازمان‌ها بین‌المللی فرهنگی غیردولتی موجب می‌شود تا ما بازی متفاوت و تأثیرات متفاوت آنها را نیز بشناسیم و با این شناخت امکان بهره‌گیری از آنها برای تعقیب اهداف فرهنگی را بدست آوریم.

مطالعه این گروه از سازمان‌ها نشان می‌دهد نقطه اشتراک همه‌ی این سازمان‌ها این است که خارج از حوزه‌ی فعالیت دولت‌ها عمل می‌کنند. در حالی که گاه چالشی در مقابل دولت‌ها به شمار می‌روند گاهی نیز تکمیل‌کننده‌ی خدمات ارائه شده‌ی دولتی محسوب می‌شوند. معمولاً به این دلیل که فعالیت‌های بین‌المللی کماکان در انحصار دولت‌هاست، سازمان‌های غیردولتی کوشیده‌اند خود مجاری تازه‌ای برای عمل بیافرینند تا از طریق آنها بتوانند با آزادی بیشتری به فعالیت بپردازند. همچنین بسیاری از سازمان‌های غیردولتی مدعی مشروعیتی فراتر از مشروعیت دولت‌ها هستند. چرا که خود را نمایندگان مستقیم مردم می‌دانند. در کل این سازمان‌ها به دو دسته انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند (خزائلی پارسا، ۱۳۸۲).

سازمان‌های غیردولتی انتفاعی که اهداف سودآور را دنبال می‌کنند، معمولاً با عنوان شرکت‌های چند ملیتی شناخته می‌شوند. دسته دیگر، سازمان‌های غیرانتفاعی

## فصل دوم: ویژگی‌های سازمان‌های ... ■ ۳۵

هستند که اهداف بشر دوستانه و غیر سودآور را در نظر دارند. در سال‌های اخیر شاهد تأثیر چشمگیر این سازمان‌ها بر سازمان‌های بین‌المللی دولتی بوده‌ایم که البته می‌توانیم علت اصلی این امر را در بی‌طرفی، ایمان به اصول و برخورداری از تخصص‌های ویژه این سازمان‌ها نام ببریم. از مهم‌ترین نقش و توانایی سازمان‌های غیردولتی، اطلاع‌رسانی، آموزش و جامعه‌پذیری، اعمال فشار بر دولت‌ها در جهت تحقق آرمان‌های حقوق بشر، مهار بحران‌های اجتماعی و جهت‌دهی به مطالبات و کمک به رفع موارد نقض حقوق بشر و ... است.

طبق پیش‌نویس‌های مؤسسه‌ی حقوق بین‌الملل در سال‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۵۰ این سازمان‌ها شامل گروه‌های متشکل از افراد یا جمععاتی هستند که اهداف عام‌المنفعه بین‌المللی بدون قصد سودبری دارند. بر اساس حقوق داخلی یک دولت به وجود می‌آیند و علی‌الاصول به ابتکار افراد خصوصی ایجاد می‌شوند. اما می‌توانند در بیش از یک کشور فعالیت کنند. به مرور تعریف کامل‌تری برای سازمان‌های غیردولتی شکل گرفت: سازمان بین‌المللی غیردولتی نهادی است که به ابتکار بخش خصوصی و یا مشترک و مختلط با بخش دولتی و خارج از هر گونه توافق بین‌الدول تأسیس شده و در آن اشخاص خصوصی و اشخاص حقوق عمومی از تابعیت‌ها و ملیت‌های گوناگون گرد هم می‌آیند. (بیگزاده، ۱۳۷۳، ص ۳۰۱)

با وجود اینکه واژه‌ی سازمان‌های غیردولتی، بعضاً به جای «سازمان‌های مردمی»، «جنبش‌های اجتماعی»، «گروه‌های بزرگ» و «جامعه‌ی مدنی» استفاده می‌شود، اما در حقیقت NGOها با هیچ کدام از آنها یکی نیستند. «سازمان‌های مردمی» عموماً گروه‌های منطقه‌ای و سازمان یافته از افراد هستند که برای تقویت قدرت عمل اعضای آنها در مسائل خاص به وجود آمده‌اند. البته برخی از NGOها سازمان‌های مردمی هم هستند اما مفهوم NGO گسترده‌تر است. مفهوم «جنبش‌های اجتماعی» وسیع‌تر و گسترده‌تر از سازمان‌هاست. جنبش اجتماعی عرصه‌ی وسیع جامعه را شامل می‌شود که در پی برانگیختن و به وجود آوردن تغییرات اجتماعی در حوزه‌هایی مثل خلع

سلاح، محیط زیست، حقوق مدنی و جنبش زنان است. «گروه‌های بزرگ» مفهوم جدیدی است که در جریان نشست سازمان ملل در ریو در سال ۱۹۹۲ به منظور ایجاد یکپارچگی میان گروه‌های اجتماعی و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی (Intergovernmental organizations) در مورد مسائل مربوط به محیط زیست و توسعه در دستور کار قرار گرفت. NGOها معمولاً به عنوان یک شخص جدا از این اشخاص شناخته می‌شوند اما در عین حال اشتراکات بسیاری با آنها دارند. نهایتاً «جامعه‌ی مدنی» واژه‌ای است که در پایان جنگ سرد برای مشارکت جمعی گسترده و دخالت در اداره جامعه که از ضروریات حکومت‌های دموکراتیک هستند، کاربرد همگانی یافت. (استفانوس، ۱۳۸۶)

در رابطه با شخصیت حقوقی این سازمان‌ها دو نظر وجود دارد. عده‌ای قائل به شخصیت حقوقی بین‌المللی برای آنها هستند و عده‌ای دیگر نیز معتقد به داشتن شخصیت حقوقی بین‌المللی برای این سازمان‌ها نیستند. گروه دوم که اکثریت علمای حقوق بین‌الملل را نیز تشکیل می‌دهند، با توجه به اینکه اساسنامه‌ی این سازمان‌ها مبتنی بر حقوق داخلی است استدلال می‌کنند و آنها را دارای شخصیت حقوقی داخلی می‌دانند. در مقابل نیز موافقین داشتن شخصیت حقوقی بین‌المللی با تشبیه این سازمان‌ها به سازمان‌های بین‌الدولی نظر خود را توجیه می‌کنند. البته اگر بخواهیم شخصیت حقوقی را با توجه به عملکرد و کارکرد بسنجیم، می‌توانیم قائل به شخصیت حقوقی بین‌المللی برای این سازمان‌ها شویم (بیگ زاده، ۱۳۷۳، ص ۳۰۵).

بخش اعظمی از بودجه سازمان‌های مردم‌نهاد از محل حق عضویت در سازمان، محصولات تجاری اعم از کالا و خدمات، کمک‌های مالی اعطا شده توسط مؤسسات بین‌المللی یا دولت‌ها و کمک‌های مردمی تأمین می‌شود. اگر چه اصطلاح سازمان‌های مردم‌نهاد تلویحاً بیانگر استقلال این سازمان‌ها از دولت‌هاست اما برخی از این سازمان‌ها با توجه به اهداف غیرانتفاعی و هزینه‌ای که دارند، به منظور تأمین بودجه‌ی خود، وابستگی شدیدی به دولت‌ها دارند و لذا تا حدودی به استقلال این نهادها خدشه

وارد می‌شود (میری، ۱۳۹۰).

با توجه به تعاریف و توصیف‌های ارائه شده از سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی ویژگی‌های آنها را می‌توان به شرح زیر خلاصه و ارائه کرد:

۱. غیردولتی بودن و اتکا به مردم و بخش خصوصی به‌عنوان موسس و عضو. سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی هستند. یعنی دولت‌ها آنها را تأسیس نکرده‌اند و اعضای آنها را تشکیل نمی‌دهند. این سازمان‌ها به‌عنوان یک واحد و بازیگر تأثیرگذار و متفاوت از دولت‌ها عمل می‌کنند.

۲. عمل کردن در خارج از حوزه‌ی فعالیت دولت‌ها. با توجه به غیردولتی بودن این سازمان‌ها، آنها معمولاً در خارج از حوزه‌ای که به‌عنوان حوزه دولتی شناخته می‌شود اقدام و عمل می‌کنند.

۳. استقلال از دولت‌ها. غیردولتی بودن و عمل کردن در خارج از حوزه عمل دولت‌ها موجب استقلال این سازمان‌ها از دولت‌هاست. البته برخی از این سازمان‌ها ممکن است مشترک با دولت‌ها و به صورت مختلط تأسیس شده باشند. اما اغلب آنها مستقل از دولت‌ها هستند. از این روست که این سازمان‌ها به‌عنوان سازمان‌هایی مستقل از دولت‌ها شناخته می‌شوند. و در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و در برنامه‌ریزی و اجرا مستقل از دولت و نیروهای دولتی عمل می‌کنند. اگر چه دولت‌ها همواره می‌کوشند تا در آنها نفوذ کنند و بر تصمیم‌گیری آنها تأثیر بگذارند.

۴. با اتکا به قوانین داخلی کشورها و خارج از توافق بین دولت‌ها تأسیس می‌شوند. سازمان‌های بین‌المللی معمولاً در چارچوب یک توافق بین دولت‌ها تأسیس می‌شوند. اما سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی بر اساس قوانین داخلی و بدون حصول توافق بین دولت‌ها ایجاد می‌شوند و فعالیت می‌کنند.

۵. رقابت و کمک به دولت‌ها. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مستقل از دولت‌ها و خارج از حوزه فعالیت دولت‌ها عمل می‌کنند. از این رو گاهی به صورت یک رقیب در برابر دولت‌ها ظهور می‌کنند و موجب بروز چالش برای دولت‌ها می‌شوند.

اما در برخی موارد عملکرد آنها به کمک دولت‌ها می‌آید و اقدام آنها مکمل اقدامات دولت‌ها می‌شود. این به معنای آن نیست که این سازمان‌ها استقلال خود را از دست می‌دهند. بلکه در مواردی که با دولت‌ها هدف مشترکی پیدا می‌کنند به صورت مکمل دولت‌ها عمل می‌کنند.

۶. مشروعیت مردمی. سازمان‌ها مشروعیت خود را از مجوزهایی که دولت‌ها برای فعالیت آنها صادر می‌کنند بدست نمی‌آورند. بلکه آن را مستقیم از مردم کسب می‌کنند. این ویژگی باعث شده است که گاهی سازمان‌های غیردولتی مدعی مشروعیتی فراتر از مشروعیت دولت‌ها شوند. چرا که خود را نمایندگان مستقیم مردم می‌دانند.

۷. غیرانتفاعی بودن. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با اهداف بشر دوستانه تأسیس می‌شوند و اهدافی غیر سودآور را در نظر دارند. از این رو آنها گروه‌های متشکل از افراد یا تجمعاتی هستند که اهداف عام‌المنفعه بین‌المللی بدون قصد سودبری دارند. با این همه برخی با اشاره به فعالیت شرکت‌های چندملیتی، آنها را نیز جزء سازمان‌های غیردولتی می‌شناسند که اهداف سودآور را دنبال می‌کنند. بر این اساس سازمان‌های غیردولتی را به سازمان‌های انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌کنند. اما برخی با اشاره به ماهیت شرکتی و اقتصادی شرکت‌های چندملیتی آنها را مجزا از سازمان‌های غیردولتی می‌دانند و سازمان‌های غیردولتی را غیرانتفاعی معرفی می‌کنند.

۸. در بیش از یک کشور فعالیت کنند. با توجه به حوزه عمل سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که در بیش از یک کشور فعالیت می‌کنند ویژگی دیگر این سازمان‌ها را عرصه و گستره عمل وسیع که در برگیرنده کشورهای مختلف است می‌دانند. از این رو گستره عمل آنها از مرزهای محلی و ملی فراتر می‌رود و بین‌المللی است.

۹. فعالیت در حوزه سیاست‌های ملایم. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی فعالیتی در زمینه سیاست‌های سخت ندارند. بیشتر در حوزه سیاست‌های ملایم و نرم فعالیت دارند از این رو بیشتر فعالیت آنها فرهنگی است.

۱۰. استقلال مالی از دولت‌ها. با توجه به اینکه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

مستقل از دولت‌ها هستند منابع مالی خود را نیز از دولت‌ها دریافت نمی‌کنند. البته ممکن است در مواردی که اهداف همسو با دولت‌ها پیدا می‌کنند و دولت‌ها با اهداف تشویقی به این سازمان‌ها کمک مالی کنند اما آنها استقلال مالی دارند. هزینه و مخارج آنها معمولاً از محل حق عضویت، فروش محصولات تجاری اعم از کالا و خدمات، و کمک‌های مالی اعطا شده توسط مؤسسات بین‌المللی یا دولت‌ها و کمک‌های مردمی تأمین می‌شود (خزائلی پارسا، ۱۳۸۲).

### زمینه فعالیت سازمان‌ها بین‌المللی فرهنگی غیردولتی

سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی در زمینه‌های مختلفی فعالیت دارند. از این رو فعالیت آنها محدود به زمینه خاصی نیست که بتوان آنها را منحصر به فعالیت در یک حوزه خاص دانست. اما این سازمان‌ها در برخی موارد و زمینه‌ها فعالیت و تمرکز بیشتری داشته و خیلی خوب نمود یافته‌اند. مخصوصاً در زمینه‌ها و اموری مانند حقوق بشر، محیط زیست، توسعه، مبارزه با فقر، مبارزه با بی‌سوادی و حل منازعات بین‌المللی، با قوت و قدرت بیشتری ظاهر شده‌اند. سازمان‌های دیگری هم در زمینه مذهبی، هسته‌ای، حقوق زنان و ... وجود دارند. به طور کلی حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی شامل این موارد می‌شود: دیپلماسی، میانجی‌گری، همکاری در نظارت بر انتخابات، حمایت از حقوق بشر، تشویق دولت‌ها به ایجاد شرایط صلح پایدار و ... (سیمبر، ۱۳۷۸، ص ۱۶۸).

در این قسمت مهم‌ترین موضوعاتی که سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی غیردولتی به آن می‌پردازند معرفی می‌شود:

۱. حقوق بشر: در این رابطه سازمان «عفو بین‌الملل» از معروفیت خاصی برخوردار است. این سازمان به‌عنوان ارائه‌کننده اسناد و شواهد در زمینه‌های مربوط به حقوق بشر در جلسات سازمان ملل شرکت می‌کند. علاوه بر این سازمان، می‌توان به کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، و سازمان دیده‌بان حقوق



بشر اشاره کرد که هر کدام به نوبه‌ی خود تلاش می‌کنند از طریق اعمال فشار بر دولت‌ها آنها را وادار به متابعت از اصول کلی حقوق بشر نمایند. در قرن بیستم سازمان‌های غیردولتی نقش پر اهمیتی از حیث بالا بردن توقعات از دولت‌ها درباره‌ی حقوق بشر داشته‌اند. سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه‌ی حقوق بشر با بالا بردن فشار از طریق تغذیه‌ی اطلاعاتی مردم و دولت‌ها از یک سو، و از طریق ارتقا و توزیع ابزارهای حقوق بشری از سوی دیگر، مهارت و تجربه‌ی ویژه‌ای در زمینه پی‌گیری مسائل حقوق بشری کسب کرده‌اند. به کمک چنین سازو کارهایی است که NGOها توانسته‌اند هنجارهای جدیدی را مدون کنند و آنها را به اسنادی نافذ در عرصه‌ی بین‌المللی تبدیل کنند. این روند افق حاکمیت دولت‌ها را تغییر داده و روابط میان آنها و شهروندانشان و دیگر بازیگران جهانی را دگرگون ساخته است.

۲. **محیط زیست:** فرایند صنعتی شدن بشر را در مقابل محیط زیست قرار داد. تقابلی که منجر به شکل‌گیری فرایند تخریب محیط زیست گردید. این فرایند به تدریج آثاری را نمایان ساخت که حاکی از حرکت شتابان به سوی نابودی محیط زیست بشر داشت. از این رو فعالیت‌ها برای مقابله با فرایند تخریب محیط زیست آغاز گردید و سازمان‌های مختلفی برای فعالیت در این زمینه شکل گرفت. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی متعددی نیز در این زمینه فعال شده‌اند. این سازمان‌ها می‌کوشند دولت‌ها را به متابعت از استانداردهای بین‌المللی زیست محیطی پای‌بند سازند. در زمینه مسائل زیست محیطی، سازمان‌ها غیردولتی ملاحظات بشر دوستانه و فراهم کردن شرایط برای بهره‌بری همه‌ی ابنای بشر از محیط زیست را در نظر دارند.

فعالیت این سازمان‌ها برای حفظ محیط زیست در محدوده مرزهای ملی یک کشور، می‌تواند به صورت بالقوه با اصل حاکمیت ملی دولت‌ها در تضاد باشد. برای نمونه جامعه‌ی بین‌المللی خواهان حفظ جنگل‌های انبوه برزیل است چرا که آن را میراث همه‌ی جهان می‌شناسد. اما دولت برزیل استفاده از جنگل را برای اهداف اقتصادی حق شناخته شده‌ی خود می‌داند. در موارد بروز چنین تعارضاتی عرصه

## فصل دوم: ویژگی‌های سازمان‌های ... ■ ۴۱

بر سازمان‌های غیردولتی تنگ می‌شود. لذا آنها تلاش می‌کنند با جلب حمایت بین‌المللی و کسب حمایت افکار عمومی برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به پیش ببرند.

۳. **توسعه:** یکی از اهداف سازمان‌های غیردولتی کمک به فرایند توسعه کشورهاست. آنها عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی کشورها را عاملی برای محرومیت از حقوق انسانی و حقوق بشر می‌دانند. بنابراین سعی دارند با کمک به فرایند توسعه کشورها زمینه برخورداری ملت‌ها را از حقوق خود فراهم آورند. این سازمان‌ها پروژه‌های توسعه اقتصادی را شکل داده و به اجرای طرح‌های بشر دوستانه و اقتصادی با استفاده از کمک‌های غیردولتی در کشورهای توسعه‌نیافته پرداخته‌اند. یکی از سازمان‌های شناخته شده در این زمینه سازمان آکسفام (Oxfam) است. این سازمان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های بین‌المللی امداد رسانی برای ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی و بی‌عدالتی را تشکیل داده است. این سازمان هم‌اکنون متشکل از ۱۵ سازمان است که در ۹۸ کشور جهان فعالیت می‌کند.

۴. **حل منازعات بین‌المللی:** یکی از حوزه‌هایی که سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی به فعالیت پرداخته‌اند. حل منازعات بین‌المللی است. منازعات بین‌المللی از جمله مصائب و مشکلات بشری است که نه تنها حقوق انسان‌ها را زایل می‌کند بلکه به رنج و عذاب مردم می‌افزاید. تلاش‌های گسترده‌ای در طول تاریخ صورت گرفته تا این منازعات حل و فصل شود و یا از بین برود که نتیجه نداشته است. بنابراین سازمان‌های غیردولتی نیز در این زمینه فعال شده‌اند و کوشیده‌اند تا شانس خود را برای حل و فصل منازعات و از بین بردن آنها بیازمایند.

این گروه از سازمان‌ها به خصوص در مسائل مربوط به خلع سلاح و کنترل تسلیحات و ایجاد جوامع و مناطق عاری از سلاح فعالیت کرده‌اند. تلاش برای ایجاد صلح بین جوامع مختلف بخش دیگری از فعالیت این سازمان‌ها بوده است. همچنین برخی از این سازمان بین‌المللی به مسائلی مانند نسل‌کشی توجه کرده و سعی کرده‌اند با توجه به نشانه‌های بروز فجایعی مانند نسل‌کشی، از وقوع آن جلوگیری کنند.

این سازمان‌ها در «جست‌وجو برای زمینه‌های مشترک» هم در حمایت از صلح و حقوق زنان در جنگ‌ها وارد عمل شده و دست به اقدام زده‌اند. گرچه منازعات بین‌المللی از بین نرفته اما فعالیت این سازمان‌ها موجب کاهش دردها و مصیبت‌های وارده بر ملت‌ها شده است.

با توجه به زمینه‌هایی که سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بیشتر در آن فعالیت دارند می‌توان گفت این سازمان‌ها در امور مربوط به سیاست نرم و ملایم ( Low politic) بیشتر فعالیت می‌کنند و دستاوردهای آنها نیز بیشتر در این زمینه بوده است و در زمینه مسائل سخت (High Politic) کمتر فعالیت و موفقیت داشته‌اند. از طرف دیگر با توجه به تعارض‌ها و تقابل‌هایی که بین فعالیت این سازمان‌ها و حوزه حاکمیت دولت‌ها ایجاد می‌شود، این گروه از سازمان‌ها برای فعالیت‌های خود با محدودیت‌های زیادی روبرو هستند. مسائلی هم که این سازمان‌ها با آنها مواجه هستند بسیار گسترده است. از این رو به رغم فعال شدن سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌های مختلف، هنوز موضوعات و مسائل مختلف و متعددی وجود دارد که می‌تواند مبنای کار سازمان‌های غیردولتی قرار گیرد و سازمان‌های جدیدی تأسیس شود.

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی فصل دوم

فعالیت سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی تأثیرات و پیامدهای گسترده‌ای در جامعه بشری داشته است. از یک سو موجب جلب و تخصیص توجه به برخی از موضوعات مهم شده است که توجه به آنها و پرداختن به آنها ضروری است اما با توجه به منافعی که برای دولت‌ها مطرح بوده کمتر به آن توجه شده بود. از طرف دیگر موجب آن شده است که دولت‌ها نتوانند تحت عنوان حاکمیت و منافع ملی برخی از مسائل را نادیده بگیرند و یا به حقوق شهروندان و ملت‌ها تعدی نمایند. این امر موجب شده است تا محدودیت‌هایی برای حاکمیت ملی دولت‌ها ایجاد شود.

## فصل دوم: ویژگی‌های سازمان‌های ... ■ ۴۳

اما در مقابل به افزایش قدرت و تأثیر مردم و نهادها و سازمان‌های غیردولتی منتهی شده و بازیگرانی غیر از بازیگران دولتی را وارد عرصه و کارزار نموده است. از طرف دیگر با گسترش سازمان‌های غیر دولتی روابط مردم و جوامع مختلف در خارج از چارچوب روابطی که بوسیله دولت‌ها تعیین و برقرار شده گسترش یافته است.

در عین حال برای فعالیت سازمان‌های غیر دولتی محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. تقابل بین فعالیت سازمان‌های غیردولتی با مسائل حاکمیتی یکی از محدودیت‌هایی است که برای این سازمان‌ها ایجاد شده است. در دست نداشتن عناصر و ابزارهای قدرت محدودیت دیگری است که برای این سازمان‌ها وجود دارد. این محدودیت‌هاست که موجب شده تا این گروه از سازمان‌ها بر مسائل عام و مورد توجه عموم تمرکز کنند و با جلب توجه افکار عمومی به کسب پشتیبانی برای خود پردازند و با اتکا به آن اهداف خود را پی‌گیری کنند.

با توجه به محدودیت‌هایی که برای این سازمان‌ها وجود دارد تأثیرگذاری آنها نسبی است و به عوامل مختلف از جمله عوامل سیاسی بستگی دارد. اگر دولت‌ها از نظر سیاسی مشکلی با فعالیت سازمان‌های غیردولتی نداشته باشند و به حمایت از آنها پردازند، این امر موجت تقویت این سازمان‌ها و موفقیت آنها می‌شود. اما اگر دولت‌ها به دلایل سیاسی برای آنها محدودیت ایجاد کنند فعالیت و موفقیت آنها نیز محدود خواهد شد. این وضعیت خطری که به همراه دارد این است که سازمان‌های فرهنگی غیردولتی برای جلب حمایت دولت‌ها به آنها وابستگی پیدا کنند و به ابزار دست آنها تبدیل شوند که در این صورت از اهداف خود فاصله خواهند گرفت.

البته دولت‌ها ممکن است برای پی‌گیری اهداف سیاسی خود به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دست به تأسیس سازمان‌های غیردولتی بزنند. این نکته‌ای است که در همکاری با سازمان‌های غیردولتی توجه به آن ضروری است تا همکاری با آنها منجر

به نادیده گرفتن منافع ملی نگردد.

البته فعالیت سازمان‌های غیردولتی امتیازات فراوانی نیز به همراه دارد. با فعالیت این سازمان‌ها بسیاری از مسائلی که دولت‌ها علاقه‌مند و موظف به پی‌گیری آنها هستند، از عهده دولت‌ها خارج و بر عهده سازمان‌ها قرار می‌گیرد. در فرایندی که دولت‌ها به سمت کوچک شدن حرکت می‌کنند، این امر به تحقق این فرایند کمک می‌کند. از طرف دیگر در بسیاری از مسائل که ورود دولت‌ها به آنها مسئولیت زاست، ورود سازمان‌های غیر دولتی می‌تواند بدون آنکه برای دولت‌ها مسئولیت بین‌المللی ایجاد کند، به دولت‌ها برای تعقیب اهداف و منافع خود کمک نماید.

بنابراین امروزه دولت‌ها تلاش بسیاری دارند تا در سازمان‌های غیردولتی نفوذ کنند و نفوذ خود در آنها را افزایش دهند و یا با کمک به تاسیس سازمان‌های غیر دولتی، و با کمک گرفتن از آنها اهداف خود را تعقیب و تامین نمایند. فعالیت سازمان‌های غیردولتی هزینه‌ای را متوجه دولت‌ها نمی‌سازد. لذا کمک گرفتن از این سازمان‌ها برای پی‌گیری اهداف و منافع موجب می‌شود که دولت‌ها بدون آنکه هزینه‌ای را تحمل کنند به کمک سازمان‌های غیردولتی اهداف خود را پی‌گیری نمایند.

## **فصل سوم**

**ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**



## تعریف مفهوم ارزش

در لغت‌نامه دهخدا ارزش اسم مصدر ارزیدن و به معنای قیمت، بها، ارز، ارج، قدر، برازندگی، شایستگی، زیندگی، قابلیت، استحقاق، اعتبار یک سند یا متاع، و پولی که در سند نوشته شده آمده است. در فرهنگ فارسی معین نیز معادل ارزش واژگان بها، ارز، قیمت. قدر، و شایستگی قرار گرفته است. در فرهنگ لغت عمید هم ارزش به‌عنوان اسم مصدر و به معنای بها، قیمت، اهمیت، شایستگی، قدر، و مرتبه است و آمده که در جامعه‌شناسی ارزش به معنای معیارهای مشترک در جامعه برای ارزیابی مناسبات فرهنگی است.

چنان‌که از این معانی بر می‌آید ارزش به معنای مطلوب بودن، مناسب بودن، و خوب بودن است که نقطه مقابل آن بی‌ارزش به معنای نامطلوب بودن، نامناسب بودن و بدبودن است. بنابراین ارزش امری ذهنی است و در ذهنیت افراد شکل می‌گیرد. با توجه به آنچه در ذهن افراد است، آنها اموری را خوب و اموری را بد می‌شناسند و برخی از امور از نظر آنها ارزش و برخی دیگری بی‌ارزش یا ضدارزش



تلقی می‌شود. از این رو در دانش جامعه‌شناسی ارزش به معنای عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آن‌چه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است؛ دارند و اموری که برای اعضاء یک جامعه اهمیت دارند و آرمان مشترک افراد جامعه تلقی می‌شوند، ارزش نامیده می‌شود. ارزش‌ها معمولاً از اعتقادات، باورها، دانش، آداب و رسوم، عادت‌ها و هنجارهای موجود در یک جامعه نشأت می‌گیرند و با توجه به اینکه اعتقادات، باورها، دانش، آداب و رسوم، عادت‌ها و هنجارهای موجود در جوامع با یکدیگر متفاوت است ما با ارزش‌های متفاوت روبرو هستیم و ارزش‌های مختلف نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است (رفیع پور، ۱۳۷۷).

### **تعریف ارزش‌های فرهنگی**

ارزش‌های فرهنگی به آن گروه از ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که ماهیت و ذات فرهنگی دارند و در حوزه‌های فرهنگی مطرح می‌شوند و آنچه را از نظر فرهنگی مطلوب است معرفی می‌کنند. در واقع ارزش‌های فرهنگی مطلوب و نامطلوب فرهنگی را برای ما تعریف و مشخص می‌سازد و نشان می‌دهند که امور فرهنگی که برای ما اهمیت دارند و به عنوان آرمان مشترک، همه آرزوی تحقق آنها را داریم، کدامند (رفیع پور، ۱۳۷۷، گی‌روشه، ۱۳۸۷، گیدنز، ۱۳۷۶).

### **ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**

با توجه به تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب ایران و با عنایت به فرهنگ و تمدن ریشه دار ایران، ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بسیار متنوع و متعددند. برخی از این ارزش‌ها بسیار با سابقه و قدیمی‌اند و از تاریخ باستان تاکنون جزئی از فرهنگ ایرانی به حساب می‌آیند. برخی از ارزش‌ها بعد از ورود اسلام به ایران و پذیرفته شدن آن از سوی مردم ایران ایجاد شدند. برخی نیز متعلق به دوره‌های جدید هستند و تحت تأثیر فرایند نوسازی کشور ایجاد شده‌اند. بر این اساس است که

نویسندگان مقاله «فرا تحلیل ارزش‌های فرهنگی در ایران» با مرور مجموعه ارزش‌های فرهنگی جامعه ایران با دسته‌بندی ارزش‌های فرهنگی آنها را به دو دسته ارزش‌های سنتی و ارزش‌های مدرن تقسیم می‌کنند. نویسندگان مقاله با مرور پژوهش‌های مربوط به ارزش‌های فرهنگی از دوگانگی ارزشی (سنتی و مدرن) در ایران سخن به میان آورده‌اند. آنها اصلی‌ترین ارزش‌های سنتی را ارزش‌هایی مانند ارزش‌های دینی، خانوادگی، ارشدیت، و جمع‌گرایی می‌دانند. و مهم‌ترین ارزش‌های مدرن را تنوع طلبی، لذت‌طلبی، استقلال، جاه‌طلبی، فردگرایی و کسب تجربه‌ی جدید معرفی کرده‌اند. (تقی آزادارمکی، داور ونوس، مسعود کرمی، ۱۳۹۰)

با توجه به تنوع و تعدد ارزش‌های فرهنگی در جامعه ایران بررسی و مرور همه آنها و فهرست کردن آنها در یک تحقیق امکان‌پذیر نیست. ضمن آنکه با توجه به دوگانگی مطرح شده و با توجه به دیدگاه‌های متفاوت افراد، ممکن است درباره اینکه یک ارزش، ارزش فرهنگی به حساب آید یا اینکه ارزش فرهنگی نیست، اختلاف نظر باشد. به عنوان مثال ممکن است از نظر برخی از افراد و گروه‌های اجتماعی، همچنان ارزش‌های سنتی معتبر و ارزشمند باشد. اما برخی از افراد به ارزش‌های مدرن توجه و تأکید داشته باشند. بر این اساس اگر چه بین افراد جامعه درباره بخش عمده ارزش‌های فرهنگی توافق وجود دارد، اما با توجه به دوگانگی‌های موجود و اختلاف نظر بین افراد، درباره اینکه کدام ارزش فرهنگی در جمهوری اسلامی باید ملاک و محور قرار گیرد و در جهت ترویج آن اقدام گردد، ممکن است اختلاف نظر وجود داشته باشد.

در این باره دست‌یابی به توافق و پیدا کردن مبنایی مشترک و واحد برای تحقیق دشوار است. از این رو برای حل این مشکل و پیدا کردن مبنایی واحد برای معرفی ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی در این تحقیق قانون اساسی را مبنای قرار داده و ارزش‌های فرهنگی مطرح شده در قانون اساسی را به عنوان ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کنیم. قانون اساسی میثاق ملی به حساب می‌آید

و مورد قبول و توافق همگان است، و به عنوان سندی بالا دستی مبنای قانون‌گذاری و عمل در جمهوری اسلامی است. بنابراین به رغم اختلاف نظرها درباره ارزش‌های فرهنگی از آنجا که این قانون مبنای عمل و سیاست‌گذاری است، در این بخش از تحقیق، تلاش می‌شود تا ارزش‌های فرهنگی مندرج در قانون اساسی به عنوان ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی معرفی شوند.

در این تحقیق بنای مقایسه یا تحلیل و بررسی ارزش‌های مندرج در قانون اساسی را نداریم. از این رو به منظور پرهیز از ارزش‌گذاری بر هر یک از ارزش‌ها از دسته‌بندی آنها نیز خودداری می‌شود. تلاش ما در این قسمت آن است که مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی را بدون بررسی، تجزیه تحلیل و دسته‌بندی معرفی کنیم. مطالعه قانون اساسی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در این قانون، ارزش‌های فرهنگی متعددی مورد تاکید قرار گرفته‌اند که از جمله آنها عبارتند از:

### ۱. اعتقاد به خدای یگانه

در اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی معرفی شده است که بر پایه ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) شکل گرفته و حاکمیت و تشریح به او تعلق دارد و مردم باید در برابر امر او تسلیم و تابع باشند.

### ۲. ایمان و اعتقاد به وحی و رسالت پیامبران

این ارزش فرهنگی در اصل دوم قانون اساسی، چنین مطرح شده است: جمهوری اسلامی نظامی بر پایه ایمان به: ... وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین ... بنابراین وحی الهی که در کتاب مقدس مسلمانان قرآن کریم منعکس است نقش بنیادینی در بیان قوانین و اداره جامعه دارد و عمل بر اساس آن ارزش شناخته می‌شود.

### ۳. اعتقاد به آخرت و دنیای پس از مرگ

چنان‌که قانون اساسی در اصل دوم اشعار می‌دارد جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به ... معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

## فصل سوم: ارزش‌های فرهنگی جمهوری ... ■ ۵۱

از این رو اعتقاد به معاد ارزشی فرهنگی است که مسیر تحول و تکامل جامعه را مشخص می‌کند و تفاوت جهت جامعه و نظام دینی با جامعه و نظام غیردینی را مشخص می‌سازد.

### ۴. اعتقاد به حق و عدل

در اصل یکم قانون اساسی اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن، عامل انقلاب و رأی به جمهوری اسلامی معرفی شده است. در اصل دوم نیز جمهوری اسلامی نظامی معرفی شده است که بر پایه ایمان به ... عدل خدا در خلقت و تشریح شکل گرفته است. در همین اصل جهت‌گیری نظام جمهوری اسلامی به سوی گسترش و تأمین قسط و عدل توصیف شده است. از این رو در جامعه نیز باید بر محور حق و عدل حرکت کرد و در جهت ترویج حق و گسترش عدالت تلاش نمود.

در اصل ۱۵۶ که به وظایف قوه قضاییه اشاره دارد نیز به اصل تلاش برای تحقق عدالت تأکید شده و آمده است "قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشند به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:  
- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند؛

- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛

- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛

- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات

مدون جزایی اسلام؛

- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

### ۵. دعوت به خیر و رشد فضایل اخلاقی و مبارزه با فساد

بر اساس اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به

معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی شناخته شده است که بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است. بر اساس اصل ۳ قانون اساسی نیز دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه توان و امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی بکار بندد.

### ۶. بالا بردن سطح سواد، آگاهی و دانش در جامعه

اصل ۳ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است که همه توان و امکانات خود را برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌های با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر بکار گیرد. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه در تمام سطوح، فراهم کند و امکان دسترسی به آموزش عالی را تسهیل کند و آن را و تعمیم دهد. بعلاوه روح بررسی و تتبع و ابتکار را در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان تقویت نماید. اصل ۳۰ هم دولت را موظف کرده است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

### ۷. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب

طرد استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب ارزش دیگری است که در اصل ۳ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته و دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است که همه توان و امکانات خود را برای طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب در کشور بکار گیرد. در اصل ۹ قانون اساسی هم آمده است "در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی،

نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند." بر اساس اصل ۱۵۳ قانون اساسی نیز "هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است."

#### ۸. محو استبداد و تأمین آزادیهای قانونی

اصل ۳ قانون اساسی محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی و تلاش برای تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون را از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی و دولت را موظف کرده است که همه توان و امکانات خود را برای تحقق این امر به کار گیرد. در اصل ۹ قانون اساسی هم تأکید شده است "... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند."

#### ۹. مشارکت مردم در اداره جامعه و تعیین سرنوشت خود

در قانون اساسی مطابق اصل ۵۶ «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.» بنابراین مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود حقی است که به رسمیت شناخته شده است. این ارزش در اصل ۳ قانون اساسی هم مورد تأکید قرار گرفته و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است که در این جهت تلاش کند. در اصل ۶ قانون اساسی هم تأکید شده است «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رییس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.»

### ۱۰. خودکفایی در علم و فناوری

تأمین خودکفایی ارزش فرهنگی دیگری است که در اصل ۳ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است برای دستیابی به در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها تلاش کند.

### ۱۱. برابری افراد، رفع تبعیض و تأمین حقوق همه افراد جامعه

در اصل ۳ قانون اساسی همچنین آمده است که دولت موظف است برای تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه تلاش کند. در این اصل بر تساوی عموم مردم در برابر قانون تأکید شده و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، از وظایف دولت معرفی شده است. در اصل ۱۹ قانون اساسی نیز به برابری قومی اشاره شده و آمده است «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» از این جهت وظیفه دولت آن است که با هرگونه تبعیض قومی و نژادی مبارزه نماید. در اصل ۲۰ نیز به یکسانی زن و مرد طبق اسلام اشاره شده و آمده است «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

### ۱۲. برادری و تعاون

توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم نیز از ارزش‌های مورد تأکید در قانون اساسی است. در اصل ۳ تحکیم برادری نه تنها بین مردم جامعه بلکه بین مردم ایران با سایر کشورها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از این روست که مطابق اصل ۳ دولت موظف به تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان شده است. در اصل ۱۱ قانون اساسی هم آمده «به حکم آیه کریمه «ان هذہ امتکم

امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران مؤظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. از این رو بر برادری و تعاون بین ملل اسلامی تأکید دارد.

### ۱۳. شورا و مشورت کردن

مشورت کردن در امور و استفاده از شورا برای اداره امور از ارزش‌هایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس شده و مورد تأکید قرار گرفته است. اصل ۷ قانون اساسی درباره چگونگی تصمیم‌گیری درباره اداره جامعه تأکید دارد «طبق دستور قرآن کریم: (و امرهم شوری بینهم) و «شاورهم فی الامر»، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.»

### ۱۴. خانواده و تحکیم آن

در اصل ۱۰ قانون اساسی آمده است خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، و همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

### ۱۵. احترام به عقاید مذهبی

احترام به اعتقادات و عقاید مذهبی افراد یکی از ارزش‌هایی است که در قانون اساسی به آن اشاره شده است. در اصل ۱۲ قانون اساسی آمده است دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است. اما تأکید شده که مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر



منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

درباره اقلیت‌های دینی هم در اصل ۱۳ قانون اساسی اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده‌اند. در این اصل آمده است «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.»

احترام به اعتقادات پیروان سایر ادیان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اصل ۱۴ قانون اساسی آمده است «به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الدین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطیه و اقدام نکنند.»

### ۱۶. احترام به حقوق زن

حقوق زنان و احترام به آن از ارزش‌های مورد احترام در جمهوری اسلامی است. اصل ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی به این موضوع پرداخته است. در اصل ۲۰ به یکسانی زن و مرد طبق اسلام اشاره شده و آمده است «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» اصل ۲۱ نیز حقوق زنان را مورد تأکید قرار داده و آمده است: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و

- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت

نبودن ولی شرعی.

### ۱۷. پاکي و برائت افراد و ضرورت احترام به آنها

در اصل ۳۷ قانون اساسی اصل برائت افراد به رسمیت شناخته شده و آمده است «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» از سوی دیگر در اصل ۲۲ قانون اساسی احترام به اشخاص و حفظ کرامت آنها مورد تأکید قرار گرفته است. در این اصل آمده است «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» اصل ۳۹ قانون اساسی هم حفظ حرمت افراد را مورد تأکید قرار داده و تأکید کرده است «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

### ۱۸. آزادی عقیده و منع تفتیش عقاید

در اصل ۲۳ قانون اساسی تفتیش عقاید منع شده است. در این اصل آمده است «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» اصل ۲۴ با آزادی عقاید مورد تأکید قرار گرفته و نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاد معرفی شده‌اند و آنها آزادند مگر آن که مخمل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. اصل ۲۵ هم تجسس و استراق سمع را که مخمل آزادی عقیده است نفی کرده است. در این اصل آمده است «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس،

سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.»

### ۱۹. حفظ محیط زیست

در اصل ۵۰ قانون اساسی به احترام به محیط زیست و حفظ آن اشاره شده و آمده است «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

### ۲۰. حمایت از محرومین و مستضعفین

بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی حمایت از محرومین و مستضعفین مورد تأکید قرار گرفته است. در این اصل آمده است «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

## نتیجه‌گیری و جمع‌بندی فصل سوم

ارزش‌های مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد ارزش‌های فرهنگی بسیار متنوع و متعدد در این قانون مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. این گستردگی ارزش‌های فرهنگی و تأکید بر آنها در قانون اساسی ماهیت فرهنگی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را به تصویر می‌کشد. از سوی دیگر نشان دهنده ابعاد غیر مادی و معنوی نظام جمهوری اسلامی ایران است. ابعادی که این نظام را از نظام‌های سیاسی موجود در جهان متفاوت و متمایز می‌سازند.

با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب و ابعاد غیرمادی، و معنوی نظام جمهوری

اسلامی، ارزش‌هایی که در این قانون مطرح و عمل کردن بر اساس آنها مورد تأکید قرار گرفته، جنبه‌های عام و انسانی دارند. از این رو مورد قبول و توافق تمامی ملت‌هاست و با فطرت‌های پاک انسان‌ها در سراسر جهان و با هر دین و مذهبی سازگاری دارند. این ویژگی موجب شده تا ارزش‌هایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده رنگ و بوی خاص گرایانه و ملی‌گرایانه نداشته باشند و ابعاد جهانی بیابند و به عنوان آرزو و آرمان ملت‌های مختلف شناخته شوند. این امر زمینه پذیرش ارزش‌های فرهنگی مورد تأکید جمهوری اسلامی را از سوی ملت‌های دیگر فراهم آورده، ترویج آنها را تسهیل می‌نماید.



## **فصل چهارم**

**راهکارهای بهره‌گیری از سازمان‌ها**

**برای ترویج ارزش‌ها**



## مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی این است که از نظر حقوقی شخصیتی مستقل از دولت‌ها دارند. از این جهت گاهی در مقابل دولت‌ها قرار می‌گیرند. از طرف دیگر این سازمان‌ها اگر چه با توجه به وظایف، ماموریت‌ها و موضوعاتی که به آنها می‌پردازند، غیر سیاسی به حساب می‌آیند، اما به محض ورود به حوزه‌هایی که با دولت‌ها تعارض پیدا می‌کنند، عمل آنها سیاسی و مداخله در حوزه عمل دولت‌ها تلقی می‌شود. از این جهت این سازمان‌ها به عنوان بازیگران مستقل از دولت‌ها و محدود کننده اراده و اختیار دولت‌ها شناخته می‌شوند.

از سوی دیگر در موارد و مواقعی که پرداختن به یک موضوعی این سازمان‌ها را در مقابل دولت‌ها قرار می‌دهد و موجب تعارض بین یک دولت و یک سازمان بین‌المللی غیردولتی می‌شود، این سازمان‌ها به ابزارها و سازوکارهایی برای تحت فشار قرار دادن دولت‌ها متوسل می‌شوند. یا با کمک گرفتن از سایر دولت‌ها درصدد تحت فشار قرار دادن دولت مورد نظر بر می‌آیند، یا با توسل به رسانه‌ها و افکار



عمومی می‌کوشند جوی را فراهم آورند که دولت مورد نظر تحت فشار قرار گیرد تا خواسته آنها را جامه عمل بپوشاند.

سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. اگرچه حوزه عمل آنها فرهنگی است و به مسائل فرهنگی می‌پردازند و این مسائل به عنوان مسائل نرم و غیر حساس شناخته می‌شود، اما همواره این گونه نبوده و مسائل فرهنگی با توجه به ارتباطی که با هویت ملی پیدا می‌کنند، در تعیین اهداف و آرمان‌های جوامع و دولت‌ها ایفای نقش می‌کنند و به مسائل حساس و بسیار مهم تبدیل می‌شوند. بنابراین ورود به آنها حساسیت دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را برمی‌انگیزد و موجب واکنش آنها می‌گردد. از این جهت سازمان‌های فرهنگی نیز سازمان‌هایی شناخته می‌شوند که می‌توانند برای دولت‌ها محدودیت ایجاد کرده و تهدیدهای امنیتی و ملی به بار آورند.

از این منظر فعالیت سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی تهدیدی برای منافع و اهدافی که دولت‌ها در صدد تحقق آنها هستند به حساب می‌آیند و همکاری با آنها و تشویق و ترغیب آنها نه تنها توصیه نمی‌شود بلکه مقابله با آنها با هدف دفع خطرات و محدودیت‌های ناشی از عمل این سازمان‌ها ضرورتی اجتناب ناپذیر به حساب می‌آید. به ویژه در دیدگاه‌های بدبینانه‌ای که مجموعه سازمان‌های غیردولتی را سازمان‌های دست‌نشانده دولت‌ها می‌دانند که تحت پوشش سازمان‌های مستقل از دولت‌ها عمل می‌کنند، مقابله با این سازمان‌ها را باید تشدید کرد تا مانع از تاثیرگذاری آنها به نفع دولت‌ها و جریان‌های خاص گردید.

### **سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی واقعیتی انکارناپذیر**

بررسی سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی حاکی از آن است که اولاً این سازمان‌ها امروزه به عنوان واقعیت‌هایی که قابل چشم‌پوشی و نادیده گرفتن نیستند عمل می‌کنند و روز به روز بر میزان قدرت، نفوذ و تاثیرگذاری آنها افزوده می‌شود.

از این رو در عرصه بین‌المللی به عنوان بازیگران مؤثر در تغییر و تحولات و تاثیرگذار بر فرایندها و رویدادها جای خود را باز کرده‌اند. لذا هر بازیگری اعم از دولتی و غیردولتی ناگزیر به توجه به این سازمان‌ها، اقدامات آنها و تأثیراتی است که به بار می‌آورند.

از سوی دیگر مطالعه سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی نشان می‌دهد این سازمان‌ها به موازات محدودیت‌ها و تهدیدهای احتمالی که برای دولت‌ها و جوامع به همراه دارند، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود و ظرفیت‌ها، و توانمندی‌هایی که دارند، موجد فرصت‌های فراوانی برای دولت‌ها و ملت‌ها هستند. بر این اساس نباید آنها را به عنوان بازیگرانی تهدیدزا و خطرآفرین یک سره از میدان بازی حذف کرد (البته با توجه به واقعیت‌ها چنین امکانی برای دولت‌ها وجود ندارد) و یا به مقابله و رویارویی با آنها پرداخت. سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی ظرفیت‌هایی را آفریده و در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند که با استفاده از آنها می‌توان با قدرت و توان بیشتر به پی‌گیری اهداف و منافع ملی پرداخت.

فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند بسیار متنوع و گسترده است. استفاده دولت‌ها از این فرصت‌ها و ظرفیت‌ها تا حد بسیار زیادی به میزان سازگاری بین اهداف سازمان‌ها با اهداف دولت و پایبندی به ارزش‌های مشترکی بستگی دارد که دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای رسیدن به آنها تلاش می‌کنند. از سوی دیگر آنچه استفاده از این فرصت‌ها و ظرفیت‌ها را برای دولت‌ها مقدر می‌سازد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، و مدیریت فرایندها برای شکل‌گیری فعالیت سازمان‌های غیردولتی به گونه‌ای است که به شکل مؤثری به تحقق اهداف دولت‌ها و ترویج ارزش‌های مورد حمایت آنها کمک نماید.

### **جمهوری اسلامی و سازگاری با سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی**

از منظر میزان انطباق و سازگاری اهداف و ارزش‌های مورد حمایت جمهوری

اسلامی با اهداف و ارزش‌های مورد حمایت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی باید گفت انطباق و سازگاری فراوانی وجود دارد و در برخی موارد اشتراک اهداف وجود دارد و ارزش‌های مشترکی پی‌گیری و حمایت می‌شوند. چنان‌که در معرفی سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی ذکر شد این گروه از سازمان‌ها ماهیتی فرهنگی دارند و ارزش‌های انسانی و اخلاقی را مدنظر دارند و برای تحقق و ترویج آنها تلاش می‌کنند و عام‌المنفعه بوده و منافع جمعی را تعقیب می‌کنند و خود را محدود و ملزم به تعقیب و تأمین منافع گروهی خاص نکرده‌اند.

بررسی انقلاب اسلامی نیز نشان داده است که این انقلاب، انقلابی فرهنگی است. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی هم در فرازی از بیانات خود درباره ماهیت انقلاب اسلامی آن را انقلابی فرهنگی توصیف کرده و این ویژگی را وجه ممیز انقلاب اسلامی با سایر انقلابها دانسته‌اند. از این رو انقلاب اسلامی بیش از آنکه بر ابعاد سیاسی و امنیتی متمرکز باشد دارای ابعاد فرهنگی است و جهت‌گیری آن به سوی اصلاح فرهنگ در جامعه و گسترش مکارم و فضایل اخلاقی است.

مرور ارزش‌ها و اهداف مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز نشان داد که جمهوری اسلامی اهدافی را آرمان خود قرار داده که اهدافی انسانی است. اهدافی که محدود به یک یا چند ملت نیست. بلکه جهانی است و سعادت و فلاح و رستگاری مجموعه مردم و ملت‌های جهان را هدف قرار داده است. از این جهت ارزش‌هایی را که مبنا قرار داده و کوشیده است تا بر مبنای آنها عمل کند ارزش‌هایی هستند عام، انسانی و جهانی.

با توجه به ویژگی‌های سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی، و با توجه به ارزش‌های مندرج در قانون اساسی که دولت جمهوری اسلامی ملزم و متعهد است مطابق با آن ارزش‌ها عمل کند و در جهت گسترش و ترویج آنها در سطح جهانی اقدام نماید، می‌توان نتیجه گرفت که میزان سازگاری و انطباق اهداف و ارزش‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی و سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بالاست. از این

## فصل چهارم: راهکارهای بهره‌گیری از ... ■ ۶۷

رو بسیاری از اهدافی که جمهوری اسلامی در جهت تحقق آنها تلاش می‌کند، به‌وسیله سازمان‌های فرهنگی غیردولتی پی‌گیری و برای تحقق آنها تلاش می‌شود، و بسیاری از ارزش‌هایی که جمهوری اسلامی در صدد ترویج آنهاست توسط سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی تبلیغ و ترویج و حتی برای رسیدن به آن اقدام می‌شود.

بالعکس بسیاری از اهدافی که سازمان‌های فرهنگی غیردولتی در جهت تحقق آنها تلاش می‌کنند، به‌وسیله جمهوری اسلامی پی‌گیری و برای تحقق آنها تلاش می‌شود، و بسیاری از ارزش‌هایی که سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی غیردولتی در صدد ترویج آنها هستند و بر اساس آنها عمل می‌کنند، توسط جمهوری اسلامی تبلیغ و ترویج و حتی اقدام می‌شود.

با توجه به این وضعیت و با توجه به فرصت آفرینی سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و ظرفیت‌های فراوانی که این سازمان‌ها دارند، می‌توان این سازمان‌ها را به‌عنوان همکارانی برای جمهوری اسلامی دانست که اگر چه توافق و همکاری رسمی بین آنها وجود ندارد، اما در عمل و به صورت طبیعی به همکار و حامی یکدیگر تبدیل شده و برای رسیدن به اهدافی واحد و ترویج فرهنگ و ارزش‌هایی مشترک تلاش می‌کنند. بر این اساس این گروه از سازمان‌ها فرصت‌هایی را فراهم می‌آورند که می‌توان با استفاده از آنها در جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی اقدام کرد.

در چنین وضعیتی بهره‌گیری از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی در جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی تا حد زیادی به توانایی ما برای برنامه‌ریزی جهت استفاده از فرصت‌هایی بستگی دارد که وجود سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی در اختیار ما قرار می‌دهد. حال اگر به پرسش اصلی این تحقیق باز گردیم و بپرسیم برای استفاده از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی چه راهکارهایی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت راهکارهای

مختلفی وجود دارد که می‌توان از طریق آنها از این سازمان‌ها برای ترویج ارزش‌های فرهنگی سود جست.

## سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و ترویج ارزش‌های فرهنگی

### الف) اصلاح نگرش‌ها نسبت به سازمان‌های غیردولتی

اولین گام در بهره‌برداری از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی برای ترویج ارزش‌ها این است که دیدگاهی را که این سازمان‌ها را یک سره نفی کرده و آنها را به‌عنوان تهدید معرفی می‌کند، اصلاح و به این سازمان‌ها به‌عنوان یک فرصت بنگریم. در مواجهه با سازمان‌های غیردولتی سه دیدگاه وجود دارد. دیدگاهی که این سازمان‌ها را یک سره تهدید می‌شناسد و در مقابل آن دیدگاهی که این سازمان‌ها را یک سره فرصت معرفی می‌کند. دیدگاه سوم اینکه وجود سازمان‌های غیردولتی و یا حتی هریک از سازمان‌ها را یک سره تهدید یا فرصت تلقی نمی‌کند. بلکه وجود آنها و فعالیت هریک از سازمان‌ها را دارای آثار مثبت و منفی، و تهدید و فرصت توأمان می‌شناسد.

البته اگر سازمان‌ها را نه به‌عنوان یک مجموعه بلکه به صورت جدا از هم در نظر بگیریم، میزان این مثبت یا منفی بودن و یا فرصت و تهدید بودن در سازمان‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. در یک سازمان ممکن است به دلیل قرابت بیش از حد منافع و ارزش‌های آن سازمان با منافع و ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران فرصت‌هایی که این سازمان ایجاد می‌کند زیاد باشد. اما در سازمانی دیگر دوری و فاصله بین منافع و ارزش‌های آن سازمان با منافع و ارزش‌های مورد نظر جمهوری اسلامی، تهدیدهایی که ایجاد می‌شود بیشتر باشد. اما در هر صورت باید پذیریم که فعالیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی یکسره منفی و تهدید نیست بلکه فرصت‌هایی نیز می‌آفریند و در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد که جمهوری اسلامی نیز می‌تواند از آنها استفاده کند.

### ب) تلاش برای معرفی ابعاد مثبت سازمان‌های غیردولتی

برای اصلاح نگرش نسبت به سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی اجرای پروژه‌های تحقیقاتی برای معرفی و شناساندن این سازمان‌ها و مزیت‌ها و فرصت‌های ناشی از همکاری با آنها و تأییراتی که این سازمان‌ها به جا گذاشته‌اند ضروری است. یکی از علل نگرش منفی به سازمان‌ها و تهدید فرض کردن آنها، فقدان شناخت از این سازمان‌ها و نداشتن اطلاعات کافی از آنهاست. با تولید ادبیات درباره این سازمان‌ها و اهداف و عملکرد آنها می‌توان به شناخت نسبی از آنها دست یافت. کسب شناخت از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و اهداف و عملکرد آنها می‌تواند با روشن کردن بسیاری از ابهامها و مسائلی که درباره این سازمان‌ها مطرح می‌شود، برداشت‌ها و نگرش‌های منفی نسبت به آنها را اصلاح و با مشخص کردن توانائی‌ها و تأثیرات آنها در جهت کمک به دولت‌ها، برداشت‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به آنها ایجاد نماید.

در این جهت رسانه‌ها نیز تأثیر گسترده و شگرفی دارند. از این رو می‌توان با استفاده از رسانه‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای نیز در جهت معرفی سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و ابعاد مثبت و منفی همکاری با آنها اقدام نمود. به عنوان مثال می‌توان با تولید یک فیلم درباره عملکرد ارزشمند یک سازمان در حفظ محیط زیست و گسترش فرهنگ دوستی با محیط زیست، اثرات و پیامدهای مثبت حضور این سازمان‌ها را معرفی و بدبینی نسبت به فعالیت آنها و همکاری با آنها را از بین برد.

### ج) تاسیس سازمان‌های جدید و ترویج ارزش‌ها

با اصلاح نگرش‌ها نسبت به سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و با پذیرفتن ضرورت بهره‌گیری از این سازمان‌ها برای ترویج ارزش‌های فرهنگی، گام بعدی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای استفاده از این سازمان‌هاست. برای استفاده

از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی دو گزینه پیش رو قرار می‌گیرد. اول گزینه ایجاد سازمان‌های جدید، دوم بهره‌گیری از سازمان‌های موجود. مرور ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی آن‌چنان‌که در فصل سوم آمده است نشان می‌دهد که زمینه‌های فراوانی وجود دارد که مردم و بخش‌های غیردولتی می‌توانند در آنها به فعالیت بپردازند. علاوه بر این ارزش‌هایی که در فصل سوم آمده همه جنبه انسانی و جهانی دارند. بنابراین افراد مختلفی در سراسر جهان علاقمند هستند که برای تحقق آنها با سرمایه خود و بدون چشم‌داشتی به منافع مادی به فعالیت بپردازند.

این ارزش‌ها می‌توانند پایه‌ای برای تأسیس سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی قرار گیرند. با توجه به تعدد ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی و گستردگی آنها، برای تأسیس این سازمان‌ها شناسایی نیازها و تقاضاها از یک سو و حوزه‌ها و مناطقی که برای فعالیت این سازمان‌ها در اولویت هستند و بیش از مناطق دیگر آماده همکاری و پذیرش فعالیت سازمان‌ها هستند ضروری است. در این جهت لازم است گروه‌های مطالعاتی به بررسی و مطالعه پرداخته و ضمن شناسایی تقاضاها، اولویت‌ها را برای تأسیس و فعالیت سازمان‌های فرهنگی تعیین و مشخص سازند.

دولت‌ها خود نمی‌توانند تأسیس‌کننده سازمان‌های غیردولتی باشند اما می‌توانند با رفع موانع قانونی و اجرایی از سر راه تأسیس سازمان‌های غیردولتی و فعالیت آنها، راه را برای تأسیس این سازمان‌ها هموار سازند. دولت‌ها می‌توانند با سیاست‌گذاری و اعمال سیاست‌های تشویقی، مردم را به فعالیت برای تأسیس این سازمان‌ها تشویق نمایند و بعد از تأسیس سازمان‌ها به حمایت از آنها بپردازند. در این جهت تصویب قوانین لازم و تسهیل طی شدن فرایند قانونی تأسیس سازمان‌ها از یک سو و اعمال سیاست‌های تشویقی مانند پرداخت انواع وام‌ها و کمک‌ها و در نظر گرفتن معافیت‌ها مانند معافیت‌های مالیاتی بسیار تأثیرگذار است.

در شرایطی که سازمان‌های غیردولتی فراوانی در عرصه بین‌المللی فعال شده‌اند، جمهوری اسلامی می‌تواند با حمایت از تأسیس این سازمان‌ها از سوی اتباع و

شهروندان خود، زمینه حضور سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی دارای هیأت مؤسس ایرانی و با جهت‌گیری مثبت نسبت به ارزش‌های جمهوری اسلامی را فراهم سازد و از این طریق به ترویج ارزش‌های فرهنگی خود بپردازد.

#### د) فرصت‌های ناشی از سازمان‌های موجود و ترویج ارزش‌ها

اما علاوه بر گزینه تاسیس سازمان‌های جدید گزینه دیگری که پیش رو قرار دارد استفاده از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی موجود برای ترویج ارزش‌های مورد نظر است. با توجه به ماهیت انسانی و جهانی ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی سازمان‌های فرهنگی موجود نیز فرصت‌های بی‌ظنیری برای ترویج این ارزش‌ها به حساب می‌آیند. با پذیرش سازمان‌های فرهنگی غیردولتی به‌عنوان یک واقعیت و به‌عنوان عامل فرصت‌زا، آنچه می‌تواند به ما در استفاده از فرصت‌هایی که با فعالیت این سازمان‌ها ایجاد می‌شود کمک کند، مطالعه دقیق سازمان‌ها و کسب شناخت از ماهیت، اهداف و چگونگی فعالیت آنهاست. از این رو تهیه فهرستی از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی، مطالعه آنها، دسته‌بندی و رصد اقدامات و تحولات مربوط به آنها جهت کسب شناخت از سازمان‌ها و میزان سازگاری اهداف و ارزش‌های مورد حمایت آنها با اهداف و ارزش‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی ضروری می‌نماید.

در حال حاضر در وزارتخانه‌هایی مانند وزارت امور خارجه میزهای تخصصی برای شناسایی سازمان‌ها فعالیت دارند اما این میزها به‌طور عمده به بررسی و مطالعه سازمان‌های سیاسی و دولتی گرایش دارند. سازمان‌های فرهنگی غیردولتی کمتر مورد توجه قرار دارند. وزارتخانه‌های فرهنگی که مسولیت فعالیت در عرصه فرهنگی را بر عهده دارند، به تناسب فعالیت‌ها و مأموریت‌های خود و با هدف ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی لازم است در این جهت اقدام کرده، و در تحقیقاتی فراگیر و مستمر سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی را مطالعه و آنها را جهت تصمیم‌گیری درباره چگونگی تعامل با آنها معرفی و تجزیه و تحلیل نمایند.



### ه) دسته بندی سازمان‌ها و ترویج ارزش‌ها

اگر بخواهیم به دسته‌بندی سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی بپردازیم در یک دسته‌بندی کلی و با توجه به اصل استقلال عمل آنها از دولت‌ها، می‌توان سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی را به دو دسته تقسیم نمود. یکی سازمان‌هایی که اگر چه به ظاهر سازمان‌های غیردولتی و مستقل از دولت‌ها به نظر می‌رسند، اما تحت نفوذ دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ قرار دارند و به صورت پوششی برای فعالیت‌های دولتی عمل می‌کنند. این گروه از سازمان‌ها اگر چه عنوان فرهنگی را یدک می‌کشند، اما کاملاً سیاسی هستند و با اهداف سیاسی فعالیت می‌کنند. پیداست که همکاری با این سازمان‌ها نمی‌تواند مفید فایده باشد. زیرا آنها در صدد تحقق اهداف خاص هستند و نمی‌توانند ترویج‌کننده ارزش‌های دیگران باشند.

دسته دوم سازمان‌هایی هستند که استقلال عمل از دولت‌ها دارند و آن را در عمل حفظ کرده‌اند. این گروه از سازمان‌ها را می‌توان به سه دسته به شرح زیر تقسیم کرد:

۱. سازمان‌هایی که از نظر اهداف و ارزش‌هایی که به آنها پایبندی دارند با اهداف و ارزش‌های جمهوری اسلامی سازگاری کامل دارند. با این سازمان‌ها می‌توان به همکاری کامل پرداخت و از طریق آنها در جهت ترویج ارزش‌های مورد نظر اقدام کرد.

۲. سازمان‌هایی که از نظر اهداف و ارزش‌هایی که به آنها پایبندی دارند با اهداف و ارزش‌های مورد نظر جمهوری اسلامی سازگاری کامل وجود ندارد و این سازگاری محدود و در برخی از موارد است. بدین معنا که اهداف و ارزش‌های مورد نظر این سازمان‌ها در برخی موارد با اهداف و ارزش‌های جمهوری اسلامی سازگاری پیدا می‌کند و هم جهت می‌گردد. اما در برخی موارد این سازگاری از بین می‌رود و همسویی و هم‌جهتی متغی می‌شود. شکل دادن همکاری کامل و بی‌قید و شرط با این سازمان‌ها مقدور نیست. اما نمی‌توان آنها را به طور کامل کنار گذاشت و همکاری

با آنها را متنفی دانست.

این سازمان‌ها نیز در حوزه‌هایی که بین ارزش‌ها و اهداف فرهنگی آنها با ارزش‌ها و اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی سازگاری وجود دارد فرصت‌های مفیدی را برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی فراهم می‌آورند که می‌توان با استفاده از آنها در جهت ترویج ارزش‌های مورد نظر اقدام کرد. برای استفاده از فرصت‌هایی که این گروه از سازمان‌ها ایجاد می‌کنند شناسایی آنها و استخراج حوزه‌ها و زمینه‌هایی که می‌توان با آنها همکاری کرد و محدودیت‌های که در این باره وجود دارد ضروری است.

۳. سازمان‌هایی که از نظر اهداف و ارزش‌هایی که به آنها پایبندی دارند با اهداف و ارزش‌های مورد نظر جمهوری اسلامی سازگاری وجود ندارد و حتی تعارض نیز وجود دارد. این سازمان‌ها اساساً مخالف و رقیب فعالیت‌هایی هستند که در جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد و تمام تلاش آنها آن است که مانع ترویج ارزش‌هایی شوند که با ارزش‌ها و اهداف آنها سازگاری ندارد. بنابراین نه تنها امکان همکاری با آنها وجود ندارد بلکه باید به رقابت و مقابله با آنها پرداخت.

با دسته‌بندی سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی در این سه گروه، روشن است که سازمان‌ها نوع اول در اولویت همکاری قرار دارند و می‌توان به همکاری با آنها در جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی اقدام کرد. با سازمان‌های نوع دوم نیز می‌توان در برخی از موارد به همکاری پرداخت و به ترویج ارزش‌های مورد نظر پرداخت. اما سازمان‌های نوع سوم جایی برای همکاری ندارند. با این وصف برای بهره‌گیری از سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی از یک سو لازم است برای تأسیس و فعال کردن سازمان‌ها فرهنگی غیردولتی همسو و سازگار با اهداف و ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی اقدام کرد. از سوی دیگر شناسایی سازمان‌های نوع اول و دوم از بین تعداد کثیری از

سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی که در عرصه بین‌المللی فعال هستند و برقراری ارتباط با آنها و شکل دادن همکاری‌های مناسب برای ترویج ارزش‌های مورد نظر ضروری است. تأسیس سازمان‌ها فرهنگی غیردولتی و ایجاد ارتباط و همکاری با این گروه از سازمان‌ها از طریق دولت‌ها نمی‌تواند صورت بگیرد بلکه از طریق مردم و سازمان‌های غیردولتی مشابه امکان‌پذیر می‌گردد. اما دولت‌ها می‌توانند با اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در این جهت به صورت مؤثر عمل کنند. به‌ویژه در کشورهایی که سابقه قوی و قدرتمندی از فعالیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی وجود ندارد نقش و عملکرد دولت‌ها برای فعالیت مؤثر این سازمان‌ها بسیار تاثیرگذار است.

### نتیجه‌گیری

با مرور ارزش‌های فرهنگی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشخص می‌شود این ارزش‌ها ماهیتی فطری، انسانی و جهانی دارند. بنابراین با خواست ملت‌های مختلف و مردم جهان سازگاری دارند. با مرور سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی نیز در می‌یابیم این سازمان‌ها نیز عمدتاً غیرانتفاعی بوده و برای تحقق اهداف انسانی در سطح بین‌المللی تلاش می‌کنند. از این رو بین ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و موضوعاتی که سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی به آن می‌پردازند سازگاری وجود دارد. بر این اساس این گروه از سازمان‌ها بستر و فرصتی فراهم می‌سازند که با استفاده از آنها می‌توان در جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی اقدام کرد.

با تأسیس سازمان‌های فرهنگی غیردولتی ایرانی فعال در عرصه بین‌المللی می‌توان بازیگری را که منطبق با ارزش‌ها و اهداف جمهوری اسلامی شکل گرفته است وارد عرصه بین‌المللی کرد تا در کنار سایر بازیگران همانند و شبیه خود به فعالیت در عرصه بین‌المللی بپردازد. پیداست سازمانی که منطبق با ارزش‌ها و اهداف

جمهوری اسلامی شکل گرفته، در بازی در عرصه بین‌المللی مدافع و حافظ این ارزش‌ها خواهد بود. بنابراین آنها می‌توانند به ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی کمک کنند.

با ایجاد ارتباط و شکل دادن همکاری با سازمان‌های موجود که زمینه و امکان همکاری با آنها وجود دارد می‌توان به فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی این سازمان‌ها وارد شد و با اعمال نفوذ و تاثیرگذاری بر آنها و مشارکت در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها، به پی‌گیری اهداف و ترویج ارزش‌های مورد نظر از مجرای سازمان‌های فرهنگی غیردولتی پرداخت. در این حالت اگر چه سازمان‌های فرهنگی مورد نظر از سوی ایرانیان تأسیس نشده اما با همکاری با آنها فرصت‌هایی که این سازمان‌ها می‌آفرینند در اختیار ما قرار می‌گیرد که با استفاده از آنها می‌توان در جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی اقدام کرد. برای بهره‌گیری از فرصت‌هایی که سازمان‌های فرهنگی غیردولتی ایجاد می‌کنند اقدامات مشروحه زیر لازم و ضروری است:

۱. حمایت و پشتیبانی از تأسیس و فعالیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و همکاری با این سازمان‌ها؛
۲. فراهم کردن زمینه‌های قانونی برای فعالیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و همکاری با این سازمان‌ها و تصویب قوانین و مقررات لازم؛
۳. تسهیل فرایندهای بروکراتیک و اداری برای فعالیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و همکاری با این سازمان‌ها؛
۴. کمک به تأمین امکانات و سرمایه لازم برای فعالیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و همکاری با این سازمان‌ها،
۵. رفع محدودیت‌ها و مقابله با فشارهایی که در مخالفت و برای مقابله با سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و همکاری با این سازمان‌ها صورت می‌گیرد؛
۶. اعمال سیاست‌های تشویقی و حمایتی مانند اعطای تسهیلات، کمک‌های

بلاعوض، وام‌های بدون بهره و یا کم‌بهره، معافیت‌های مالیاتی، و نظایر اینها برای فعالیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و همکاری با این سازمان‌ها؛

۷. فرهنگ‌سازی درباره فعالیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و

همکاری با این سازمان‌ها و معرفی این سازمان‌ها و اثرات مثبت همکاری با آنها با هدف اصلاح نگرش‌ها و بدبینی‌ها نسبت به این سازمان‌ها؛

۸. تسهیل فرایند ایجاد ارتباط در جهت همکاری و مشارکت در فعالیت‌های

سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی؛

۹. حمایت از طرح‌ها، برنامه‌ها، ابتکارات و نوآوری‌ها در جهت فعالیت سازمان‌های

فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و همکاری با این سازمان‌ها؛

۱۰. تسهیل ارتباطات و مبادلات بین سازمان‌های فرهنگی غیردولتی ایرانی با

سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی و فرهنگ‌سازی برای رفع بدبینی نسبت به این همکاری‌ها.

اقدام برای تأسیس سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی از یک سو و ایجاد

ارتباط با سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی موجود از سوی دیگر، و معرفی

ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی از طریق این سازمان‌ها در شرایطی که فرایند

ایران‌هراسی در عرصه بین‌المللی شکل گرفته و با سیاه‌نمایی از ارزش‌ها و اهداف

جمهوری اسلامی در جهت ایجاد بدبینی نسبت به جمهوری اسلامی تلاش می‌شود،

می‌تواند با تغییر اذهان و افکار نه تنها موجب شکست فرایند ایران‌هراسی گردد،

بلکه با معرفی ارزش‌های الهی و انسانی مورد نظر جمهوری اسلامی که با فطرت‌های

پاک انسان‌ها و ابناء بشر در سراسر جهان سازگاری دارد، موجب نفوذ در دل‌ها و

منشاء قدرت نرم برای جمهوری اسلامی شود. البته استفاده از این فرصت نیازمند

سیاست‌گذاری، و برنامه‌ریزی از یک سو و هماهنگی و همکاری بخش‌ها و اجزای

مختلف دولت و جامعه از سوی دیگر است. با هدف‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و

بلندمدت و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد برای رسیدن به اهداف

## فصل چهارم: راهکارهای بهره‌گیری از ... ■ ۷۷

مشخص شده، و هماهنگی و همکاری بخش‌های مختلف دولت و جامعه در جهت رسیدن به اهداف، می‌توان از فرصت‌هایی که سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی در اختیار ما قرار می‌دهند برای ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی سود برد.



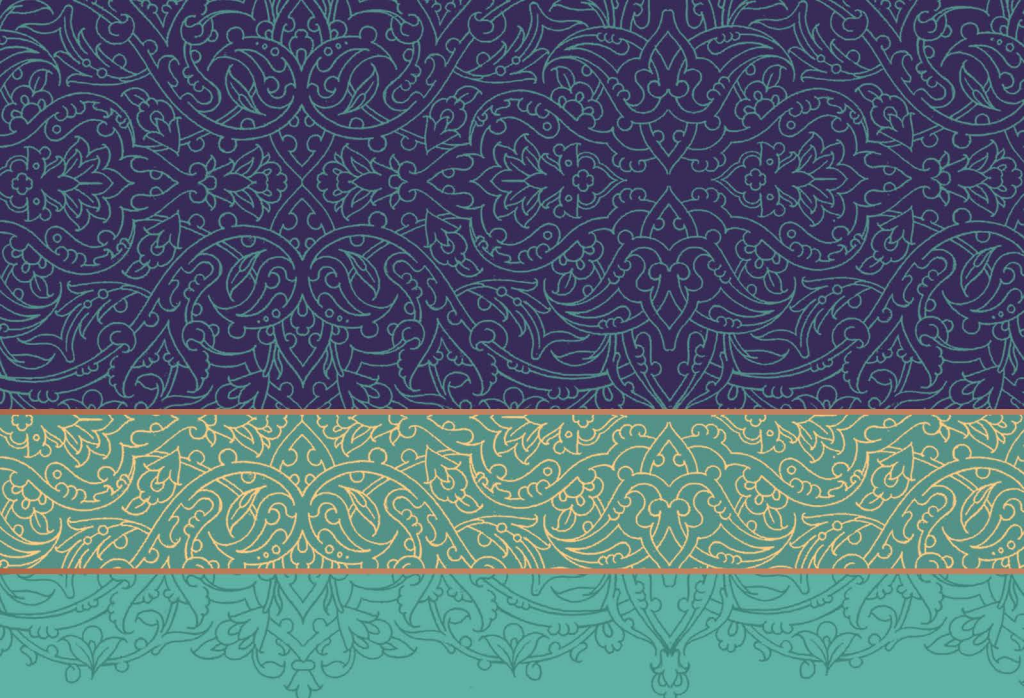
## منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی، داور ونوس، مسعود کرمی، (۱۳۹۰). «فرا تحلیل ارزش‌های فرهنگی در ایران». پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، دوره ۱، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۱۳-۳۶.
- آقاموسی تهرانی، رضا، (۱۳۸۹). «ماهیت سازمان‌های عمومی غیردولتی در نظام بین‌الملل و حقوق ایران». قابل دریافت از: [tehrani83.com](http://tehrani83.com)
- استفانوس، کارولین، (۱۳۸۶). *نقش سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی*. ترجمه حسین قلیجی، قابل دریافت از: [aftabir.com](http://aftabir.com)
- بیگزاده، ابراهیم، (۱۳۷۳). «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی». فصلنامه‌ی تحقیقات حقوقی، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۳، شماره ۱۵، صص ۲۹۳-۳۲۲
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۷). *آناتومی جامعه یا سنه الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: انتشارات کاوه.
- زاهدی، محمدجواد، (۱۳۸۸). *نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار*. تهران: انتشارات مازیار.
- سیمبر، رضا، (۱۳۷۸). «سازمان‌های غیردولتی و نفوذ آنها در جامعه جهانی». اطلاعات سیاسی اقتصادی، آذر و دی ۱۳۷۸، شماره ۱۴۷ و ۱۴۸، صص ۱۶۶-۱۷۷
- شایان‌مهر، علیرضا، (۱۳۷۷). *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*. کتاب اول، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- شفیعی، نودز، (۱۳۸۰). «جهانی‌شدن و سازمان‌های غیردولتی». فصلنامه مصباح، فروردین ۱۳۸۰، شماره ۳۷، صص ۷۷-۱۰۶.



## ۸۰ ■ سازمان‌های فرهنگی غیر دولتی ...

- خزائلی پارسا، فاطمه، (۱۳۸۲). *سازمان‌های غیردولتی، تاریخچه، تعریف و ویژگی‌ها*. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور معاونت امور فرهنگی و پیشگیری.
- گلشن پژوه، محمودرضا، (۱۳۹۱). *راهنمای سازمان‌های غیردولتی نوشته*. تهران: انتشارات ابرار معاصر
- گی، روشه، (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی*. ترجمه هما زنجانی زاده، جلد اول. تهران: انتشارات سمت.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ سوم. تهران: نشر نی، ۲۳۸.
- موسی‌زاده، رضا، (۱۳۹۰). *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: نشر میزان.
- میری، میرمحمد، (۱۳۹۰). «ماهیت سازمان‌های غیردولتی در نظام بین‌الملل و حقوق ایران». قابل دریافت از: [dtmsoir.blogfa.com](http://dtmsoir.blogfa.com)



سازمان‌های فرهنگی غیردولتی بین‌المللی، بستر و فرصتی فراهم می‌سازند که با استفاده از آنها می‌توان در جهت ترویج ارزش‌های فرهنگی اقدام کرد. با تأسیس سازمان‌های فرهنگی غیردولتی ایرانی فعال در عرصه بین‌المللی، می‌توان بازیگری را که منطبق با ارزش‌ها و اهداف جمهوری اسلامی شکل گرفته است وارد عرصه بین‌المللی کرد تا در کنار سایر بازیگران همانند و شبیه خود به فعالیت در عرصه بین‌المللی بپردازد. پیداست سازمانی که منطبق با ارزش‌ها و اهداف جمهوری اسلامی شکل گرفته، در بازی در عرصه بین‌المللی مدافع و حافظ این ارزش‌ها خواهد بود. بنابراین آنها می‌توانند به ترویج ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی کمک کنند.